



فصلنامه علمی پژوهشی دانش سرمایه‌گذاری  
دوره ۱۴ / شماره ۲ (پیاپی ۵۴) / تابستان ۱۴۰۴  
صفحه ۱۶۱ تا ۱۹۰

## نقش دولت در کیفیت گزارشگری مالی (آزمون فرضیه نظارت کارا)

مژگان سعیدی

دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
mjasaedi@gmail.com

احمد یعقوب نژاد

دانشیار گروه حسابداری، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
Yaghoobacc@gmail.com

هاشم نیکومرام

استاد گروه حسابداری، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران  
nikoomaram@srbiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

### چکیده

فعالان بازار سرمایه، تصمیم‌گیرندگان، تحلیلگران مالی و سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل بورس اوراق بهادار در صورتی که صورتیکه اطلاعات درست و دقیقی را در تصمیم‌گیری‌های خود لحاظ کنند، قادر خواهند بود پیش‌بینی‌های دقیق‌تری انجام داده و پیرو آن تصمیمات بهینه‌ای اتخاذ کنند. از این رو، هر اندازه که بتوان کیفیت گزارشگری مالی را بالا برد می‌توان به تصمیم‌گیرندگان در اتخاذ تصمیم بهینه کمک کرد. هدف اصلی پژوهش تجربی حاضر تعیین تأثیر میزان مالکیت دولتی بر کیفیت گزارشگری مالی با تأکید بر نظریه نظارت فعال می‌باشد. برای سنجش کیفیت گزارشگری مالی از شاخص‌های کیفیت افشاء، کیفیت اقلام تعهدی، مدیریت سود اقلام تعهدی، مدیریت سود واقعی و مدیریت سود اقلام درآمدی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. داده‌های مورد مطالعه این پژوهش شامل ۱۲۵۰ سال-شرکت از سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۷ می‌باشد. روش پژوهش از نوع همبستگی و علی‌پس‌رویدادی و روش آزمون فرضیه‌ها، آزمون همبستگی و رگرسیون است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که میزان مالکیت دولت بر کیفیت گزارشگری مالی (کیفیت افشاء) تأثیر معنی‌داری دارد. **واژه‌های کلیدی:** مالکیت دولت، نظریه نظارت کارا، کیفیت گزارشگری مالی.

## ۱- مقدمه

حدود و نحوه دخالت دولت در اقتصاد همواره موضوع بحث و مجادله بسیاری از اقتصاددانان بوده است. هر چند که اعتقاد اقتصاد دانان کلاسیک نظیر آدام اسمیت، دیوید ریکاردو، ژان باتیست سی و ... نفی کامل نقش دولت‌ها نبوده است، اما می‌توان عنوان کرد که به اعتقاد آنان دخالت دولت در این حوزه باید محدود باشد. این اندیشه غالب در دهه اول و دوم قرن ۲۰ میلادی بوده است. پس از جنگ جهانی اول و به خصوص پس از بروز بحران بزرگ غرب طی سال‌های ۱۹۳۳ - ۱۹۲۹، تاثیرگذاری سیاست‌های کلاسیک مورد تردید واقع شد و لزوم دخالت بیشتر دولت نسبت به گذشته احساس شد، به گونه‌ای که پس از پایان جنگ جهانی دوم میزان و نوع و نحوه دخالت دولت‌ها در امور اقتصاد و همچنین هدایت روند رشد و توسعه اقتصادی این کشورها به نحوی جدی‌تر مطرح شد (بخشی زاده و مشیدی، ۱۳۸۵). در واقع، این موضوع اهمیت نقش دولت و حضور آن در اقتصاد را نشان می‌دهد. همچنین، مالکیت دولتی به عبارتی دیگر مالکیت نهاد دولتی از چندین محرک برای نظارت بر گزارشگری مالی و بهبود عملکرد شرکت‌ها برخوردار است، در حقیقت، در صورتی که مالکیت دولتی وجود داشته باشد، معمولاً مشکلات نمایندگی کاهش خواهد یافت و این امر می‌تواند بر عملکرد شرکت تأثیرگذار باشد (شورورزی و همکاران، ۱۳۹۳). در واقع، مطالب ارائه شده حاکی از گستردگی شرکت‌های دولتی در بازار سرمایه و اقتصاد ایران است و بخش دولتی به طور گسترده نقش مهمی در اقتصاد ایران ایفا می‌کند و بر این اساس بیات و همکاران (۱۳۹۵) اذعان نموده‌اند که شواهد موجود از کشور ایران حاکی از آن است که در ایران، دولت نقش اساسی در اقتصاد و همچنین در ساختار شرکت‌های بزرگ دارد و عمده صنایع را شرکت‌هایی با مالکیت دولتی تشکیل می‌دهند.

افزون بر آن چه بیان شد، خصوصی سازی شرکت‌های دولتی تبدیل به یک پدیده مهم در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه شده است. در واقع و با توجه به این که خصوصی سازی و کوچک شدن دولت در چند سال اخیر از مباحث داغ محافل اقتصادی کشور بوده است، به عقیده اقتصاددانان، شرکت‌هایی که تحت مالکیت خصوصی هستند، در شرایط رقابتی بازار، کارا تر از سازوکارهای غیربازار عمل می‌کنند (خدادادکاشی، ۱۳۸۸). در طی دو دهه گذشته، خصوصی سازی شرکت‌های دولتی مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه با یک روند رو به افزایش همراه بوده است. دولت‌ها با استفاده از خصوصی سازی به دنبال دستیابی به اهداف زیر هستند: (۱) افزایش درآمدهای دولت (۲) افزایش کارایی اقتصادی، (۳) کاهش دخالت دولت در اقتصاد، (۴) افزایش تنوع مالکیت، (۵) ایجاد رقابت در بازار محصولات و (۶) الزام شرکت‌های دولتی به رعایت قوانین بازار سرمایه (مگینسون و نتر<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱).

سطح مطلوب کیفیت گزارشگری مالی با هم راستا نمودن اهداف سهامداران و مدیران حاصل می‌شود و این موضوع می‌بایست به عنوان هدف اصلی شرکت تعیین شود. برطبق نظر بریگهام و گاپنسکی<sup>۲</sup> (۱۹۹۶) هدف اصلی شرکت افزایش ارزش آن شرکت از طریق افزایش رفاه مالکین یا سهامداران آن است. رفاه سهامداران به خط مشی‌های مدیرانی که مسئول کارهای اجرایی شرکت هستند بستگی دارد. اگرچه مدیران شرکت اغلب فعالیت‌هایی انجام می‌دهند یا رویه‌هایی انتخاب می‌کنند که در تضاد با رفاه سهامداران یا حتی به ضرر آنهاست. فعالیت‌ها براساس

<sup>1</sup> Megginson and Netter

<sup>2</sup> Brigham & Gapenski

شخصیت افراد صورت می‌گیرد و افراد معمولاً به دنبال منفعت شخصی خود هستند. بنابراین ممکن است بین سهامداران و مدیران در داخل شرکت تضاد منافع به وجود آید (گایو و پینتو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). در محیط اقتصادی کشور، سازمان‌ها و شرکت‌های وابسته به دولت، مالکیت شرکت‌های سهامی زیادی را در بورس اوراق بهادار در تملک و مدیریت خود دارند. با بررسی روند سودآوری شرکت‌ها در بازار سرمایه، متوجه این موضوع می‌شویم که سودآوری اکثر شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار سیر نزولی دارد (بنی‌مهد و همکاران، ۱۳۹۳). اما مدیریت سود آن هم از نوع حداکثرسازی سود، روندی صعودی به خود گرفته است. با توجه به نقشی که دولت در مدیریت سود دارند، مسئله این پژوهش را می‌توان درک چگونگی و میزان کیفیت گزارشگری مالی در قبال مالکیت دولت تعریف کرد، که این مهم با اتکاء به آزمون نظریه نظارت کارا صورت گرفته است. لذا، در این پژوهش نقش دولت در کیفیت گزارشگری مالی آشکار می‌شود؛ بنابراین با توجه به مطالب فوق، این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که میزان مالکیت دولتی چه نقشی در کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها دارد؟ به‌منظور پاسخ به این سؤال، از آزمون نظریه نظارت کارا بهره گرفته می‌شود. از این‌رو، انتظار می‌رود نتایج پژوهش حاضر بتواند به مدیران، تحلیل‌گران مالی، سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی در درک بهتر درک میزان کیفیت گزارشگری مالی در قبال نقش دولت کمک کرده و آن‌ها را در اتخاذ تصمیم‌های صحیح مالی و سرمایه‌گذاری کمک نماید. این پژوهش با طرح مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های مرتبط با موضوع و همچنین تبیین روش پژوهش و فرضیه‌های برگرفته از مسئله و مبانی نظری پژوهش ادامه یافته و سپس به تشریح نتایج آزمون فرضیه‌ها پرداخته شد و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادها بیان می‌شود.

### مبانی نظری، ادبیات و فرضیه‌ها

این پژوهش برای طرح مبانی نظری از نظریه نظارت کارا، تئوری ساختار مالکیت و تئوری نمایندگی پیروی می‌کند. بر اساس فرضیه نظارت کارآمد، نهادها به ویژه نهادهای دولتی به دلیل حجم ثروت سرمایه‌گذاری شده و اعمال نفوذ سیاسی، سرمایه‌گذاری خود را به صورت فعال مدیریت می‌کنند. معمولاً به علت بالا بودن هزینه نظارت، فقط سهامداران نهادی و سهامداران عمده می‌توانند به مزایای کافی دست یابند تا انگیزه نظارت را داشته باشند.

### الف) فرضیه نظارت کارآمد (فعال)<sup>۱۶</sup> و ساختار مالکیت

طبق فرضیه نظارت کارا «ارزش شرکت» با افزایش «توانایی نظارت بر صاحبان متمرکز» افزایش می‌یابد. همچنین برخی از ادبیات اخیر وجود دارد که گفته می‌شود مالکیت متمرکز ابزاری مهم برای همتراز کردن منافع مدیریت و مالکیت شرکت و رفع مشکل نمایندگی است (تامسن و پدرسن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰؛ هارتزل و استارکز<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳). از طرفی مالکیت متمرکز با افزایش نظارت و کاهش مشکلات ناشی از مفت سواری که در ارتباط با مالکیت‌های پراکنده پیش می‌آید، ممکن است بتواند عملکرد شرکت را بهبود بخشد. به همین دلیل است، در بیشتر مناطق جهان،

<sup>1</sup> Gaio & Pinto

<sup>2</sup> Thomsen & Pedersen

<sup>3</sup> Hartzell & Starks

بنگاه‌های تجاری، صاحبان بزرگ یا متمرکز را در ساختار مالکیت خود دارند (همان منبع). با این حال، برخی عقیده دارند که سرمایه‌گذاران نهادی نقش فعالی در نظارت بر فعالیت‌های مدیریت ندارند (کلاسز و فن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲؛ پورتر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲). سرمایه‌گذاران نهادی ممکن است قادر به اعمال نقش نظارتی خود و رأی علیه مدیران نباشند زیرا ممکن است بر روابط تجاری آن‌ها با شرکت تأثیر گذارد. بنابراین، ممکن است سرمایه‌گذاران نهادی با مدیریت تباری کنند (پوند<sup>۳</sup>، ۱۹۸۸؛ ساندرمورثی و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵). هم‌چنین استدلال می‌شود که مالکان نهادی دائماً بر نتایج مالی کوتاه‌مدت تمرکز دارند و قادر به نظارت مدیریت نیستند (بوشی، ۱۹۹۸؛ پورتر، ۱۹۹۲). بنابراین مدیریت برای برآورده ساختن انتظارات کوتاه‌مدت سود، تحت فشار قرار خواهد گرفت. این نظرات نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاران نهادی، اختیار مدیران را برای مدیریت سود محدود نمی‌کنند و ممکن است انگیزه‌های مدیریتی را برای انجام مدیریت سود افزایش دهند.

فرضیه نظارت کارآمد بیان می‌کند که بین مدیریت سود یک شرکت و سهم مالکیت نهادی آن، یک رابطه معکوس وجود دارد. در این راستا، مطالعات متعددی وجود دارد که عنوان می‌کنند مالکیت نهادی مانع مدیریت سود فرصت طلبانه توسط مدیران می‌شود (بنج و دبانت<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸؛ بوشی<sup>۶</sup>، ۱۹۹۸؛ چانگ و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۰۲؛ کارنت و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸؛ ابراهیم<sup>۹</sup>، ۲۰۰۷؛ کوه<sup>۹</sup>، ۲۰۰۳). این دسته، سرمایه‌گذاران نهادی پایا (بلندمدت) هستند. آن‌ها به احتمال زیادی در امر نظارت شرکت می‌کنند؛ زیرا زمان طولانی‌تری برای آشنایی با عملکرد شرکت‌ها و هم‌چنین فرصت‌های بیشتری برای تأثیرگذاری بر مدیریت دارند (الیاسیان و جیا<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۸). سرمایه‌گذاران نهادی پایا می‌توانند از سه راه عملکرد شرکت را بهبود ببخشند: اول، آن‌ها به دلیل ارتباط نزدیک خود با بازار سرمایه و فعالیت نظارت می‌توانند مسائل نمایندگی و عدم تقارن اطلاعات را کاهش دهند، این گونه مسائل معمولاً موجب عملکرد ضعیف و سرمایه‌گذاری کمتر می‌شود. دوم، آن‌ها باعث می‌شوند مدیریت در تصمیم‌گیری‌های خود افق‌ها دورتر را نیز مد نظر داشته باشد، به گونه‌ای که برای مدیران امکان سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سودآور بلندمدت‌تر را فراهم می‌کند. سوم، آن‌ها از طریق افزایش درجه انگیزش، پاداش مدیران و منافع آن‌ها با سهامداران را بهتر همسو می‌کنند و به این گونه عملکرد شرکت را بهبود می‌بخشند (نمازی و همکاران، ۱۳۸۸).

ساختار مالکیت به طور گسترده‌ای به عنوان مکانیسم مهمی در مدیریت شرکتها در نظر گرفته می‌شود. تحقیقات بیشماری در اقتصادهای توسعه یافته انجام شده است، جایی که ساختار مالکیت به عنوان متغیر مستقل معرف حاکمیت شرکتی، به عنوان شاخصه‌ای برای ارزیابی تأثیر آن بر عملکرد شرکت مورد استفاده قرار می‌گیرد

<sup>1</sup> Claessens & Fan

<sup>2</sup> Porter

<sup>3</sup> Pound

<sup>4</sup> Sundaramurthy et al.

<sup>5</sup> Bange & De Bondt

<sup>6</sup> Bushee

<sup>7</sup> Chung et al.

<sup>8</sup> Ebrahim

<sup>9</sup> Koh

<sup>10</sup> Elyasiani and Jia

(جنسن و مکلینگ<sup>۱</sup>، ۱۹۷۶؛ شلیفر و ویشنی<sup>۲</sup>، ۱۹۸۶). شواهد تجربی این تحقیقات صورت گرفته نشان می دهد که صاحبان بزرگ یا دارندگان سهام بلوکی نسبت به سهامداران کوچک از انگیزه قوی تر و فرصت های بهتری برای کنترل شرکت برخوردار هستند و تأثیر مثبتی بر ارزش شرکت دارند (لیما و ام دی ایمران حسین<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸). سرمایه گذاران نهادی دیدگاهی بلند مدت در سرمایه گذاری دارند؛ در نتیجه بر عمل کرد مدیریت شرکت های سرمایه پذیر نظارت جدی می نمایند. بنابراین حضور سهام داران نهادی در ساختار مالکیت شرکت ها سبب کاهش مدیریت سود و در نتیجه ارتقای محتوای اطلاعاتی سود می شود. پس طرفداران این فرضیه معتقدند که بین سطح مالکیت نهادی و محتوای اطلاعاتی سود نیز یک رابطه ی مثبت مورد انتظار است. پژوهش های فراوانی نیز فرضیه ی نظارت فعال را مورد تایید قرار داده اند که از جمله می توان به جنگ و کن<sup>۴</sup> (۲۰۰۲)، راجکوپال و دیگران<sup>۵</sup> (۲۰۰۲)، ولوری و جنگیز<sup>۶</sup> (۲۰۰۶)، چانگ و دیگران<sup>۷</sup> (۲۰۰۵)، مدياستوتی و مچفودز<sup>۸</sup> (۲۰۰۳) اشاره نمود. از طرفی، برخی شواهد حاکی از این است که سهامداران نهادی نقش محدود کننده در مدیریت اقلام تعهدی شرکت ها دارند. در حقیقت، طبق این دیدگاه، سرمایه گذاران نهادی با محدود نمودن مدیریت سود سبب کاهش مشکلات نمایندگی می شوند (لو و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۱۷). طبق فرضیه نظارت کارا، سرمایه گذاران نهادی تأثیر کاهنده بر مدیریت سود دارند؛ در حالی که طبق فرضیه همگرایی استراتژیک منافع، سرمایه گذاران نهادی تأثیر افزایش دهنده بر مدیریت سود دارند (لو و همکاران، ۲۰۱۷).

بنابراین بر طبق یافته های تحقیقاتی، سرمایه گذاران نهادی از نقش دوگانه ای در کیفیت گزارشگری مالی برخوردارند؛ آنها هم ممکن است محدودیت در وقوع مدیریت سود ایجاد نمایند و هم ممکن است درگیر مدیریت سود شوند؛ طبق فرضیه نظارت کارا سرمایه گذاران نهادی ممکن است ایفا کننده نقش نظارتی بر تصمیمات روزانه مدیران در شرکت ها باشند، اما طبق فرضیه همگرایی استراتژیک منافع زمانی که سرمایه گذاران نهادی از منافع مشترکی با مدیران برخوردار باشند، آنها متوسل به تشویق مدیران جهت گزارشگری مالی جسورانه می شوند (لو و همکاران، ۲۰۱۷).

### تئوری نمایندگی و روابط سیاسی

نظریه نمایندگی وجود یک قرارداد یارابطه بین مدیران ومالکان راتشخیص می دهد. علاوه برسهامداران انفرادی ، مالکان ممکن است شامل موسسات مالی وسهامداران دولتی نیز باشند (هیل وجونز<sup>۱۰</sup> ۱۹۹۲). براساس این تئوری،

1 Jensen & meckling

2 Shleifer, A. and Vishny , R

3 Ms. Mahabuba Lima & Md. Imran Hossain

4 Jang, K. and S.Y. Kown

5 Rajgopal, S. Venkatachalam, M. & Jiambalvo, J.

6 Velury, U. & Jenkins, D. S.

7 Chung, R., Firth, M. & Kim, J.

8 Mdiastuty, P. P. & Machfoedz, M.

9 Lo, Wu & Kweh

10 Hill & Jones

اختلافات بین مدیران و مالکان در شرایطی اتفاق می‌افتد که منافع متفاوتی و بر خلاف هم داشته باشند به گونه‌ای که مدیران بر اساس منافع صاحبان شرکت عمل نکنند و منافع شخصی خود را در نظر بگیرند. برای شرکت‌هایی که دولت مالکیت آنها را در اختیار دارد (شرکت‌های متعلق به دولت)، ممکن است مشکلات نمایندگی شدیدتری در سازمان وجود داشته باشد (شلیفرو ویشنی<sup>۱</sup> ۱۹۹۴). در چنین شرکت‌هایی، رابطه اصلی نمایندگی به دو رابطه تقسیم می‌شود زیرا دولت هم زمان به عنوان صاحب اصلی و هم به عنوان نماینده عمل می‌کند. در رابطه با مدیران یک شرکت متعلق به دولت، دولت نقش اصلی را بازی می‌کند و اهداف شرکت توسط دولت تعیین می‌شود (رودریگز، اسپژو و کابرا<sup>۲</sup> ۲۰۰۷). دولت هم چنین در روابط خود با عموم جامعه به عنوان نماینده عمل نموده و مالک نهایی منابع سرمایه‌گذاری شده توسط شرکت‌های دولتی است (ارنست<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴). بر اساس الگوی دولت که توسط داونز<sup>۴</sup> ۱۹۵۷ مطرح شد، در فرآیند تصمیم‌گیری، دولت نه تنها اهداف عمومی را به عنوان رای دهنده در نظر می‌گیرد، بلکه برنامه‌ها یا دستور کارهای احزاب مخالف را نیز که برای رای دادن رقابت می‌کنند، در نظر می‌گیرد. بنابراین دولت می‌خواهد مدیران و تصمیمات مدیریتی را کنترل یا نظارت کند تا این تصمیم مطابق با منافع سیاسی آن باشد (ام دی صالح، ۲۰۰۹).

دولت ممکن است از قدرت سیاسی خود برای مداخله در تصمیمات عملیاتی شرکتها استفاده کند (چن<sup>۵</sup> ۲۰۰۴)، به عنوان مثال دولت، چه مستقیم و چه از طریق نمایندگان خود در هیئت مدیره می‌تواند مدیران را تحت فشار قرار دهد تا اشتغال را تثبیت کنند یا مزایای دیگری را برای هواداران خود فراهم کنند (برای منافع سیاسی) و آنها را وادار کند تا از هدف حداکثر نمودن سود بنگاه فراتر روند (برامبی، هایندمن و شفرد<sup>۶</sup> ۱۹۹۷). طبق گفته وونگ<sup>۷</sup> (۲۰۰۴)، اقدامات دولت می‌تواند بر مالیات تاثیر گذاشته و در نتیجه هزینه و ساختار سرمایه را تعیین کند. بارتولوتی و فاسیو<sup>۸</sup> (۲۰۰۶) کنترل یا مداخله دولت را در شرکت‌هایی که به تازگی خصوصی‌سازی شده‌اند را بررسی کردند و دریافتند که این امر در کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)<sup>۸</sup> رایج است. بارتولوتی و فاسیو (۲۰۰۶) از این وضعیت به عنوان «خصوصی‌سازی ناخواسته» یاد می‌کنند، که در آن دولت‌ها پس از خصوصی‌سازی، کنترل کامل را واگذار نمی‌کنند و بعنوان بزرگترین سهامدار شرکت باقی می‌مانند، و با از اختیارات ویژه (به طور خاص، سهم‌های ممتاز) استفاده می‌کنند. دولت به این سهام ممتاز به عنوان ابزاری برای حفظ روابط سیاسی شرکت‌ها نگاه می‌کند و در نتیجه این سهام ابزاری است برای دولت تا کنترل شرکتها را در دست خود داشته باشند (ام دی صالح، ۲۰۰۹).

<sup>1</sup> Shleifer & Vishny

<sup>2</sup> Rodriguez, Espéjo, & Cabrera

<sup>3</sup> Ernst

<sup>4</sup> Downs

<sup>5</sup> Brumby, Hyndman & Shepherd

<sup>6</sup> Wong

<sup>7</sup> Bortolotti and Faccio

<sup>8</sup> Organisation of Economic Cooperation and Development

با این حال، دخالت سیاستمداران در یک شرکت می‌تواند مزایای نمایندگی مضاعفی را ایجاد کند که شامل رفتار مرتبط با منافع شخصی توسط مدیران و سیاستمداران است (وونگ، ۲۰۰۴). همانطور که بوچانان و تولوک<sup>۱</sup> (۱۹۶۸) استدلال می‌کنند، افراد درگیر در جریان سیاسی بازیگرانی با منافع شخصی هستند که می‌خواهند منافع شخصی خود را به حداکثر برسانند که این موضوع می‌تواند به ضرر منافع سهامداران عمده که همان مالکان اصلی شرکتها هستند باشد. به عنوان مثال، سیاستمداران ممکن است به ازای حمایت‌های مالی توسط شرکتها در کمپین‌های انتخاباتی و پرداخت مخارج حمایتی به رای دهندگان، در طول انتخابات، اطلاعاتی را در مورد مقررات یا سیاست‌های عمومی یا ارتباط بین مدیران و سازمان‌های دولتی (مانند دسترسی ترجیحی به اعتبار) به آنها ارائه دهند (هیلمن و لیت<sup>۲</sup> ۱۹۹۹).

به طور کلی، دخالت دولت و سیاستمداران در شرکتها این تصور را ایجاد می‌کند که استقلال مدیران در این شرکتها تحت تاثیر قرار گرفته است. طبق گفته چن (۲۰۰۴)، این امر باعث کاهش انگیزه مدیران برای نظارت بر موفقیت شرکتها می‌باشد و در نتیجه مدیریت ممکن است به جای منافع شرکت به دنبال منافع شخصی خود باشد (اندروز و داوولینگ<sup>۳</sup> ۱۹۹۸).

علاوه بر دخالت‌های سیاسی که باعث ایجاد مشکلات شدید نمایندگی می‌شود، سیستم‌های حسابداری شرکتها نیز تحت تاثیر قرار می‌گیرند. این امر به این دلیل است که سیستم‌های حسابداری از نزدیک با مسئله‌ی نمایندگی ارتباط دارند (تاگسون<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷). دولت یا سیاستمداران ممکن است یک سیستم حسابداری را ترجیح دهند که به آنها این امکان را بدهد که اطلاعات را به صورت انتخابی گزارش دهند و به صورتیکه گزارش‌های سالانه به نفع آنها ارائه شود (زیممن<sup>۵</sup>، ۱۹۷۷). ممکن است مدیران به منظور افزایش اعتماد به نفس در بین سرمایه گذاران فعلی و بالقوه و کاهش تضادهای نمایندگی، گزارش‌دهی مالی با کیفیتی را ارائه دهند (چو و ونگ بوئرن<sup>۶</sup>، ۱۹۸۷).

### پیشینه تجربی

پیوسیک و گنج<sup>۷</sup> (۲۰۲۰) در پژوهش خود به بررسی تاثیر ساختار مالکیت یک شرکت بر شیوه‌های مدیریت سود واقعی در شرکت‌های بورس اوراق بهادار ورشو در لهستان پرداختند. آنها ساختار مالکیت شرکت را با توجه به تمرکز مالکیت، مالکیت مدیریتی و حضور سرمایه گذاران نهادی تقسیم بندی و نشان دادند که یک سطح بهینه از تمرکز مالکیت وجود دارد، که مدیریت سود را به حداقل و شفافیت مالی را حداکثر می‌کند. آنان همچنین نتیجه گرفتند که حضور سرمایه گذاران نهادی، میزان بیش نمائی سود را کاهش می‌دهد. تام و همکاران<sup>۸</sup> (۲۰۱۹) طی پژوهشی

<sup>1</sup> Buchanan and Tullock

<sup>2</sup> Hillman & Iitt

<sup>3</sup> Andrews & Dowling

<sup>4</sup> Tagesson

<sup>5</sup> Zimmerman

<sup>6</sup> Chow & Wong-Boren

<sup>7</sup> Piosik & Genge

<sup>8</sup> Tam et al.

به مقایسه کیفیت سود و گزارشگری مالی توسط شرکتهای موجود در بخش دولتی و خصوصی موجود در بورس ویتنام پرداختند. آنها به طور خاص، با استفاده از یک نمونه همسان از شرکت های دولتی و شرکت های خصوصی، و مقایسه آنها به این نتیجه که شرکت های خصوصی احتمالاً سود گزارش شده خود را نسبت به بنگاه های دولتی در بازار مالی ویتنامی «دستکاری» می کنند. به استناد آنان شرکت های دولتی دارای کیفیت سود بالاتری نسبت به شرکتهای خصوصی در بازار مالی ویتنام هستند. از نظر این محققین این امر به این دلیل است که بنگاههای خصوصی با مدیریت سود می توانند از مزایای مالی زیادی برای مدیران خود بهره مند شوند. میکایل و شرر<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) در تحقیقی به بررسی تأثیر خصوصی سازی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت های مصری است پرداختند. یافته های پژوهش آنها حاکی از آن بود که خصوصی سازی تأثیر منفی بر روی کیفیت گزارشگری مالی میگذارد. این مطالعه نشان داد که فشار اجباری ارگانهای نظارتی نهادی موجب پیدایش نظریه جامعه شناسی نهادی جدیدی برای دستیابی به درک عمیق تر از اثرات قوی حسابداری بر شکل دادن به شیوه های حسابداری شده است. راناشین و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) طی مقاله ای مروری به بررسی پژوهش های انجام شده در زمینه ارتباط «روابط سیاسی» و «کیفیت گزارشگری مالی» و «نتایج حسابرسی» پرداختند. شواهد تجربی به دست آمده از بررسی این پژوهشگران نشان داد که کیفیت گزارشگری مالی بنگاههایی با ارتباطات سیاسی نسبت به شرکتهای همسان بدون ارتباط سیاسی ضعیف تر است. به پیشنهاد آنان برای مشخص نمودن ارتباطات سیاسی می بایست در تحقیقات آینده، بررسی هایی دقیق تری مبتنی بر شبکه، برای مشخص نمودن تعامل بین اعضای هیئت مدیره، مدیران و سیاستمداران و سنجش ارتباطات سیاسی صورت گیرد. قیصر رفیق و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) در تحقیقی به رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود در اقتصادهای توسعه یافته و در حال توسعه پرداختند. از نظر آنان اختلافات در منشأ مالکیت می تواند منجر به اختلاف در کیفیت گزارشگری مالی شود، که این امر به دلیل تفاوت در نظارتی است که سهامداران می توانند انجام دهند. یافته های آنان نشان می داد که سرمایه گذاران نهادی به دلیل امکانات نظارتی بیشتر می توانند تأثیر زیادتری بر کیفیت گزارشگری مالی داشته باشند. از طرفی آنان دریافتند که سهامداران نهادی داخلی نسبت به سهامداران نهادی خارج از کشور می توانند تأثیر بیشتری بر کیفیت گزارشگری مالی بگذارند. اویگ ب و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۷) طی پژوهشی به بررسی تأثیر ساختار مالکیت بر کیفیت افشای اطلاعات مالی افشا شده در بورس اوراق بهادار نیجریه در دوره ۲۰۱۱-۲۰۱۵ پرداختند. یافته های مطالعه آنها نشان داد که بین سرمایه گذاران نهادی، مالکیت مدیریتی و کیفیت افشای مالی رابطه معناداری وجود دارد و همچنین نشان دادند شرکتهای دارای سرمایه گذاران نهادی از کیفیت خوبی در افشای اطلاعات مالی برخوردار هستند. شینانگ و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۷) طی پژوهشی به بررسی تأثیر مالکیت دولتی بر قیمت بازار ناشی از کیفیت ارقام تعهدی پرداختند. یافته های آنها نشان داد که اثر قیمت گذاری در بازار از کیفیت ارقام تعهدی برای شرکت

<sup>1</sup> Michael N. and Sherer, M.

<sup>2</sup> Ranasinghe et al.

<sup>3</sup> Qaiser Rafique et al

<sup>4</sup> Uwuigbe et al.

<sup>5</sup> Shinong et al.



های غیر دولتی نسبت به شرکت های دولتی در چین بزرگتر است از طرفی مطالعه آنها نشان داد که شرکتهای دولتی، حمایت بهتری از سرمایه گذاران نسبت به شرکت های غیر دولتی دارند، بنابراین پیشنهاد دادند که مراجع نظارتی توجه بیشتری به مشکلات حمایتی سرمایه گذاران و کیفیت اطلاعات حسابداری شرکتهای غیر دولتی داشته باشند. نورفرزال و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و نفوذ سیاسی در شرکتهای پذیرفته شده در مالزی پرداختند. نتایج نشان داد وجود مدیران با ارتباطات سیاسی در هیئت مدیره با کیفیت گزارشگری مالی رابطه معکوس دارد. این ارتباط منفی در بنگاه هایی که سطح مالکیت دولت بالاتر است مشهود تر است. یافته ها آنان مطابق با استدلال هایی است که عنوان می کنند ارتباطات سیاسی تاثیر مهمی بر کیفیت گزارشگری مالی ایفا می کند. گراس و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) طی تحقیقی تاثیر «نزدیکی شرکت به قدرت سیاسی» را بر «گزارشگری مالی شرکت» بررسی کردند. مطالعات پیش از آنها نمایانگر این بود که نزدیکی بیشتر به قدرت سیاسی عدم شفافیت اطلاعات شرکت و نوسانات بیشتر در سود مورد انتظار، می شود. براساس یافته های این تحقیق ارتباط مثبت و معنا داری بین جهت بندی سیاسی شرکت و سطح اقلام تعهدی اختیاری وجود دارد. گایو و پینتو<sup>۳</sup> (۲۰۱۶) پژوهشی را با هدف تعیین نقش مالکیت دولتی در کیفیت گزارشگری مالی با استفاده از یک نمونه بزرگ از بنگاه های اروپایی و تقسیم بندی شرکت ها به دو بخش خصوصی و عمومی، به بررسی تأثیر مالکیت دولت بر کیفیت سود پرداختند. نتایج آنها نشان داد که شرکتهای دولتی به دلیل حمایت دولت، نیاز کمتری به محافظه کاری داشته و نیز نسبت به شرکتهای غیر دولتی کمتر به مدیریت سود مبادرت می ورزند و در مجموع کیفیت سود پایین تری را نشان می دهند. سانی محمد و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) در پژوهشی بررسی ارتباط حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکتهای وابسته به دولت در کشور مالزی پرداختند. این پژوهش در راستای آزمون نظریه «نظارت فعال» صورت گرفت که نتیجه آن نشان داد به جز دوگانگی نقش هیئت مدیره اقدامات نظارتی تاثیر چندانی در کیفیت سود شرکتهای وابسته به دولت نداشته است. چنی و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۱۲) به بررسی رابطه بین روابط سیاسی شرکتهای با دولت و کیفیت اطلاعات حسابداری پرداختند. یافته های این تحقیق که از بررسی اطلاعات بیش از هفت هزار شرکت در ۲۱ کشور جهان بدست آمده است، حاکی از این بود که شرکتهایی که روابط سیاسی با دولت داشتند اطلاعات حسابداری را با کیفیت پایین تری افشا می کردند. سونگ و همکاران<sup>۶</sup> (۲۰۱۱) به بررسی مدیریت سود در شرکتهای غیر دولتی پذیرفته شده در بورس چین پرداختند. بطور کلی نتایج تحقیق آنها نشان داد که شرکتهایی که ارتباطات سیاسی بالاتری دارند از کیفیت اقلام تعهدی بالاتری برخوردارند. آنان «ارتباطات سیاسی» را به صورت عضویت اعضای هیئت مدیره یا مدیر عامل شرکت در دولت یا کنگره خلق چین تعریف کرده و آن را در عمل به عنوان منبعی که انگیزه های یک بنگاه خصوصی را برای پنهان سازی عامدانه اطلاعات سود کاهش می دهد، در نظر گرفته اند. محد فایروز بین ام دی صالح<sup>۳۹</sup> (۲۰۰۹) در رساله

<sup>1</sup> Nor Farizal et al.

<sup>2</sup> Gross et al.

<sup>3</sup> Gaio & Pinto

<sup>4</sup> Sani Mohamad et al.

<sup>5</sup> Chaney et al.

<sup>6</sup> Song et al.

دکتری خود به بررسی ارتباط بین نفوذ سیاسی، حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی پرداخت. در آن مطالعه از سه مولفه - میزان مالکیت دولتی، حضور سیاستمداران در هیئت مدیره و وجود سهام طلایی که حق رای خاصی را به دولت می‌دهد - برای نفوذ سیاسی و دو مولفه کیفیت افشا و مدیریت سود برای کیفیت گزارشگری مالی استفاده شد. نتایج نشان داد مالکیت دولتی باعث ارتقاء کیفیت گزارشگری می‌شود

منصورفر و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان «فرضیه سیاسی و کیفیت گزارشگری مالی» به بررسی اثر فرضیه سیاسی (هزینه‌های سیاسی) بر کیفیت گزارشگری مالی با رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری پرداختند برای سنجش هزینه‌های سیاسی، نسبت سرمایه‌بری، درجه رقابت در صنعت، نرخ مؤثر مالیاتی، اندازه شرکت، تراکم کارکنان و ریسک اندازه‌گیری شده است و سنجش کیفیت گزارشگری مالی نیز با استفاده از شاخص‌های کیفیت اقلام تعهدی، کیفیت افشا، پایداری سود و دقت اطلاعات مالی انجام گرفت. نتایج حاکی از آن است که هزینه‌های سیاسی، اثر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد. نتایج پژوهش آنها تأییدی بر این فرضیه بود که شرکت‌ها به منظور قرار نگرفتن در کانون توجه نهادهای دولتی و قانون‌گذار، صورت‌های مالی خود را با کیفیت پایین‌تر ارائه می‌نمایند. ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی بر کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی شرکتها پرداختند. در این تحقیق متغیرهای مستقل مالکیت دولتی براساس درصد مالکیت شرکتهای دولتی و وابسته به دولت و برای ارتباطات سیاسی از دو معیار بدهی بلند مدت و نیز وجود اعضای هیئت مدیره وابسته به دولت استفاده شد. نتایج تحقیق آنها نشان داد که مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد و با افزایش این دو مولفه، کیفیت گزارشگری شرکتها کاهش مییابد. طالب‌نیا و صدیقی (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تأثیر نوع مالکیت (دولتی و خصوصی) بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که بین نوع مالکیت شرکت‌ها و کیفیت سود گزارش شده رابطه معنادار وجود دارد و شرکت‌های خصوصی کیفیت سود بالاتری نسبت به بنگاه‌های تحت کنترل و مالکیت دولت داشتند، به عبارتی شرکت‌های دارای مالکیت دولتی بیشتر دست به مدیریت سود می‌زنند. رضایی و ویسی حصار (۱۳۹۳) طی پژوهشی به اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش بر مبنای یک نمونه آماری متشکل از ۹۵ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ نشان داد که در شرکتهایی که در آنها ساختار مالکیت متمرکز است، کیفیت سود نیز بالاست؛ در صورتیکه شرکتهایی که دارای روابط سیاسی گسترده با دولت بوده علی‌رغم آنکه ساختار مالکیت متمرکزی دارند، کیفیت سود پایین است در نتیجه روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت سود اثر منفی دارد. نیکومرام و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیقی به بررسی دیدگاه اقتصادسیاسی و مدیریت سود پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که مدیریت سیاسی با شاخص مدیریت سود رابطه مستقیم دارد. به عبارت دیگر وجود مدیریت سیاسی در شرکت‌ها یکی از عوامل تأثیرگذار بر مدیریت سود می‌باشد. بر اساس نتایج این پژوهش، متغیر سودآوری شرکت، که نشان دهنده عملکرد مدیریت می‌باشد، بیشترین تأثیر را بر مدیریت سود دارد، به بیان دیگر هرچه سودآوری افزایش یابد، مدیریت سود کاهش می‌یابد. خواجه‌نصیری (۱۳۹۱) در تحقیقی

به بررسی و تبیین تأثیر ساختار مالکیت بر کیفیت افشای شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. ، ساختار مالکیت را از دو بعد کلی تمرکز مالکیت و نوع مالکیت- سهامداران دولتی ، سهامداران نهادی، سهامداران حقیقی خصوصی شرکتها و سهامداران انفرادی- مورد بررسی قرار داد نتایج به دست آمده نشان داد که تمرکز مالکیت رابطه منفی و معناداری با کیفیت افشای شرکت دارد و با افزایش میزان مالکیت دولتی، از کیفیت افشای شرکتی کاسته می شود، اما رابطه معناداری بین کیفیت افشا و سهامداران نهادی یافت نشد. مهرانی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیق خود به بررسی رابطه بین سرمایه گذاران نهادی و کیفیت گزارش گری مالی پرداختند. آنان برای اندازه گیری کیفیت سود، از یک رویکرد چند بعدی استفاده کردند (محتوای اطلاعاتی سود، قابلیت پیش بینی کنندگی سود، اقلام تعهدی سود و به موقع بودن گزارش سود). نتایج تحقیق بیان گر روابط متناقضی بین سرمایه گذاران نهادی و کیفیت سود بود. در واقع با افزایش سطح سرمایه گذاران نهادی، کیفیت سود نیز ارتقا می یافت در حالیکه بین تمرکز سرمایه گذاران نهادی و کیفیت سود با استفاده از معیارهای محتوای اطلاعاتی سود و اقلام تعهدی سود رابطه معناداری یافت نشد.

### فرضیه‌های پژوهش

برای رسیدن به سطح مطلوب کیفیت گزارشگری مالی، هم راستا نمودن اهداف سهامداران و مدیران ضروری است و این موضوع می بایست به عنوان هدف اصلی شرکت تعیین شود. برطبق نظر بریگهام و گاپنسکی (۱۹۹۶) هدف اصلی شرکت افزایش ارزش آن شرکت از طریق افزایش رفاه مالکین یا سهامداران آن است. رفاه سهامداران به خط مشی های مدیرانی که مسئول کارهای اجرایی شرکت هستند بستگی دارد. اگرچه مدیران شرکت اغلب فعالیتهایی انجام می دهند یا رویه هایی انتخاب می کنند که در تضاد با رفاه سهامداران یا حتی به ضرر آنهاست. فعالیت ها براساس شخصیت افراد صورت میگیرد و افراد معمولاً به دنبال منفعت شخصی خود هستند. بنابراین ممکن است بین سهامداران و مدیران در داخل شرکت تضاد منافع به وجود آید. اهداف سیاسی و اجتماعی ممکن است با حداکثر سازی سود هم راستا نباشد. در انتخاب مدیران دولتی به جای آنکه مهارت های عملکردیشان توجه شود بیشتر به روابط سیاسی آنها تکیه می شود. از جمله عوامل دیگر می توان به عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر، هزینه انتقالات بیشتر و هزینه نمایندگی بالاتر و نظارت کمتر اشاره کرد. شرکتهای دولتی سهامی عام نسبت به بخش های غیر دولتی سطح بالاتری از اقلام تعهدی غیرعادی و اقلام تعهدی با کیفیت پائین را در صورتهای مالی خود گزارش می کنند. براساس این یافته ها می توان نتیجه گرفت که مدیران شرکتهای دولتی رغبتی برای تن دادن به فشارهای وارده از بازار برای رساندن شرکت به آستانه سود یا گذر از آن ندارند. به همین ترتیب خود را برای محدودتر کردن هزینه های سیاسی مرتبط و یا افشای بیشتر ملزم نمی شمارند(گیولی و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). کوتاری<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) استدلال کرد که اگر مالکیت بر دولت متمرکز شود تقاضا برای افشا کاهش می یابد چرا که در زمانیکه مالکیت متمرکز است عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران و مدیریت کاهش می یابد. در این حالت نه تنها

<sup>1</sup> Givoly

<sup>2</sup> Kothari

تقاضا برای افشا وجود ندارد بلکه برای افشای بیشتر، تحت فشار نیز قرار نمی‌گیرند. بنابراین انتظار می‌رود که نفوذ سیاسی و مالکیت دولتی تاثیر معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی داشته باشد. بر این اساس نقش میزان مالکیت دولتی در کیفیت گزارشگری مالی از طریق پنج فرضیه زیر آزمون می‌شود:

- ◀ میزان مالکیت دولتی بر کیفیت افشاء تاثیر دارد.
- ◀ میزان مالکیت دولتی بر کیفیت اقلام تعهدی تاثیر دارد.
- ◀ میزان مالکیت دولتی بر مدیریت سود از طریق اقلام درآمدی تاثیر دارد.
- ◀ میزان مالکیت دولتی بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی تاثیر دارد.
- ◀ میزان مالکیت دولتی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی تاثیر دارد.

بوشمن و پتروسکی و همکاران (۲۰۰۴) یافتند که شرکت‌هایی که تحت نفوذ سیاسی دولت هستند کیفیت افشای پائینی دارند. تحقیقات کوتاری در (۲۰۰۱) نشان داد شرکت‌هایی که در معرض نفوذ سیاسی دولت قرار می‌گیرند بیشتر به مدیریت و هموارسازی سود دست می‌زنند. بلکوئی<sup>۱</sup> در (۲۰۰۴) نشان داد که نفوذ سیاسی با شفافیت سود نسبت عکس دارد که منجر به کیفیت پائین سود می‌شود. بنابراین انتظار می‌رود که تمرکز مالکیت دولتی تاثیر معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی داشته باشد. بر این اساس نقش تمرکز مالکیت دولتی در کیفیت گزارشگری مالی از طریق پنج فرضیه زیر آزمون می‌شود:

- ◀ میزان تمرکز مالکیت بر کیفیت افشاء تاثیر دارد.
- ◀ میزان تمرکز مالکیت بر کیفیت اقلام تعهدی تاثیر دارد.
- ◀ میزان تمرکز مالکیت بر مدیریت سود از طریق اقلام درآمدی تاثیر دارد.
- ◀ میزان تمرکز مالکیت بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی تاثیر دارد.
- ◀ میزان تمرکز مالکیت بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی تاثیر دارد.

### روش‌شناسی

این پژوهش از لحاظ هدف، از نوع کاربردی و از نظر ماهیت و روش، از نوع همبستگی است. برای گردآوری داده‌های پژوهش، از پایگاه رسمی بورس اوراق بهادار تهران و سایر پایگاه‌های اینترنتی رسمی مرتبط، اطلاعات حسابداری شرکت‌های بورسی، نرم‌افزار ره‌آورد نوین و دیگر منابع اطلاعاتی استفاده شده است. نوع داده‌ها مقطعی بوده و جامعه آماری پژوهش شامل تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۷ (۱۲۵ شرکت) است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش داده‌های تعداد ۱۲۵ شرکت (۱۲۵۰ سال-شرکت) با اعمال محدودیت‌های زیر انتخاب شده‌اند؛ شرکت‌هایی انتخاب می‌شوند که پایان دوره آن‌ها پایان اسفند ماه باشد و در طول دوره تغییر دوره مالی نداشته باشند، شرکت در دوره تحقیق توقف معامله طولانی مدت نداشته باشد، اطلاعات آن‌ها در همه سال‌های دوره تحقیق در دسترس باشد، شرکت‌هایی که در گروه سرمایه‌گذاری و یا صنعت بانکداری نباشد. زیرا صورت‌های مالی این گونه شرکت‌ها، متفاوت از سایر شرکت‌ها است.

<sup>1</sup> Belkaoui.

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش با پیروی از پژوهش‌های صالح (۲۰۰۹)، قیصر رفیق و همکاران (۲۰۱۷) و پیوسیک و گنج (۲۰۲۰) از مدل زیر استفاده شده است:

$$FRQ_{it} = \alpha_0 + \beta_1 OG_{it} + \beta_2 FOIC_{it} + \beta_3 MB_{it} + \beta_4 AGE_{it} + \beta_5 SIZE_{it} + \beta_6 AUDIT_{it} + \beta_7 ROA_{it} + \beta_8 LOSS_{it} + \beta_9 LEV_{it} + \beta_{10} OCF_{it} + \beta_{11} SALES_{GROWTH}_{it} + \varepsilon_{it}$$

بر اساس مدل‌های فوق، متغیر وابسته این پژوهش شاخص‌های کیفیت گزارشگری مالی بوده که از پنج معیار کیفیت افشاء، کیفیت اقلام تعهدی، مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی، مدیریت سود از طریق اقلام واقعی و مدیریت سود از طریق اقلام درآمدی به شرح زیر استفاده شده است:

کیفیت افشاء: یکی از مهمترین ابزار مدیران جهت انتقال اطلاعات عملکرد مالی به سهامداران، اعتبار دهندگان و سایر افراد ذینفع افشاء اطلاعات مالی می‌باشد و یکی از دلایل مهم تقاضا برای افشاء اطلاعات مسائل نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی است (رحمانی و بشیرمنش، ۱۳۹۳). چارچوب مفهومی جدید برای گزارشگری مالی، در راستای هر چه سودمندتر شدن صورتهای مالی، چهار ویژگی بهبود دهنده ارائه می‌کند. این چهار ویژگی شامل به موقع بودن، تأیید پذیری، مقایسه پذیری و کامل بودن است. اصل کامل بودن به کفایت افشاء اشاره می‌کند. این اصل بیان میکند که صورتهای مالی می‌بایست تمام اطلاعات مربوط برای تصمیم‌گیری و تحلیل‌های مناسب را افشاء کند (مانالگید و روساریو<sup>۴۸</sup>، ۲۰۱۲). برای اندازه‌گیری کفایت افشاء ابزار مورد استفاده چک لیست است که در این روش تهیه اجزای اطلاعات موجود در چک لیست و تعیین نمره برای هر یک از موارد امری ضروری است. در افشای اجباری موارد ذکر شده در چک لیست از موارد ذکر شده در استانداردهای حسابداری گرفته می‌شود (حسن و همکاران، ۲۰۰۶).

کیفیت اقلام تعهدی: برای اندازه‌گیری شاخص کیفیت گزارشگری مالی ابتدا بر اساس مدل مک نیکولز<sup>۴۹</sup> (۲۰۰۲)، کیفیت اقلام تعهدی را محاسبه می‌کنیم سپس قدر مطلق خطای باقی مانده را به عنوان نماینده کیفیت گزارشگری مالی در نظر می‌گیریم. این معیار بر اساس این نظر می‌باشد که اقلام تعهدی از طریق کاهش هموارسازی ناشی از تغییرات در وجه نقد باعث افزایش آگاهی دهندگی سود می‌گردد که در تحقیقات قبلی نیز در این زمینه مورد استفاده قرار گرفته است.

کیفیت اقلام تعهدی<sup>۵۰</sup>: کیفیت اقلام تعهدی بر اساس مدل مک نیکولز (۲۰۰۲) محاسبه می‌شود. مدل مک نیکولز به شرح زیر است:

$$\frac{ACC_{i,t}}{Assets_{i,t}} = \beta_{0,i} + \beta_{1,i} \frac{CFO_{i,t-1}}{Assets_{i,t}} + \beta_{2,i} \frac{CFO_{i,t}}{Assets_{i,t}} + \beta_{3,i} \frac{CFO_{i,t+1}}{Assets_{i,t}} + \beta_{4,i} \frac{\Delta sales_{i,t}}{Assets_{i,t}} + \beta_{5,i} \frac{PPE_{i,t}}{Assets_{i,t}} + V_{i,t}$$

در معادله فوق:

$ACC_{i,t}$ : برابر با میزان اقلام تعهدی که از کسر نمودن جریان وجوه نقد عملیاتی از سود عملیاتی حاصل می‌شود.

$Assets_{i,t}$ : میانگین دارایی‌های شرکت  $i$  در سال  $t$

$CFO_{i,t-1}$ : وجه نقد حاصل از عملیات شرکت  $i$  در سال  $t-1$

$CFO_{i,t}$ : وجه نقد حاصل از عملیات شرکت  $i$  در سال  $t$   
 $CFO_{i,t+1}$ : وجه نقد حاصل از عملیات شرکت  $i$  در سال  $t+1$   
 $\Delta sales_{i,t}$ : تغییر در حساب فروش شرکت  $i$  در سال  $t$   
 $PPE_{i,t}$ : اموال ماشین آلات و تجهیزات شرکت  $i$  در سال  $t$   
 $V_{i,t}$ : خطای باقی مانده  
 $\beta_{1,i}$  تا  $\beta_{5,i}$  ضرایب متغیرها (شیب)  
 $\beta_{0,i}$ : مقدار ثابت محاسبه شده توسط مدل رگرسیون

مقدار خطای باقی مانده در معادله فوق بیانگر این است که خطای برآورد در اقلام تعهدی جاری ارتباطی با جریان وجه نقد عملیاتی ندارد و به وسیله تغییر در درآمد و ماشین آلات و تجهیزات قابل تبیین نیست. در این تحقیق این قدر مطلق خطای باقیمانده به عنوان نماینده کیفیت گزارشگری مالی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. مدیریت سود اقلام درآمدی: برای اندازه‌گیری مدیریت سود از طریق اقلام درآمدی از مدل کاپلر<sup>۵۹</sup> (۲۰۰۹) استفاده می‌شود. وی برای بررسی مدیریت سود، به جای شناخت هزینه‌ها از روش شناخت درآمد با بررسی حسابهای دریافتی و درآمد انتقالی به دوره بعد استفاده نمود. او فرض نمود که حسابهای دریافتی ناخالص بخشی از فروش های دوره جاری است، چون حسابهای دریافتی به لحاظ فروش های این دوره به حساب آورده می‌شوند. وی همچنین فرض نمود که حسابهای دریافتی ناخالص بخشی از جریان نقدی عملیاتی دوره بعد هستند، زیرا حسابهای دریافتی در دوره بعد برگردانده می‌شوند. این بدان معنی است که تغییر در حسابهای دریافتی ناخالص ناشی از تغییرات در فروش جاری و تغییرات در جریان نقدی عملیاتی آتی است. کاپلر (۲۰۰۹) هر دو متغیر فوق را در این مدل به کار برد تا بتواند هر یک از اجزای غیراختیاری را که از طرق دیگر قابل دستیابی نمی‌باشند تعیین نماید. بر مبنای این مفروضات، وی مدل زیر را تحت عنوان مدل درآمد اختیاری ارائه نمود:

$$\frac{\Delta GrossA/R_{it}}{Assets_{it-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{1}{Assets_{it-1}} + \alpha_2 \frac{\Delta S_{it}}{Assets_{it-1}} + \alpha_3 \frac{\Delta CFO_{it+1}}{Assets_{it-1}} + \varepsilon_{it}$$

که در آن:

$\Delta GrossA/R_t$ : تغییر در حسابهای دریافتی ناخالص در سال  $t$ ؛

$\Delta S_{it}$ : تغییر در فروش در سال  $t$ ؛

$\Delta CFO_{it+1}$ : تغییر در جریان نقد عملیاتی در سال  $t+1$ ؛ و

$Assets_{it-1}$ : مجموع دارایی‌ها در ابتدای سال مالی.

مدیریت سود اقلام تعهدی: برای اندازه‌گیری مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی از قدرمطلق مقادیر خطای مدل تعدیل شده جونز استفاده شد. مدل جونز توسط دچو، اسلون و سوئینی (۱۹۹۵) با اضافه شدن یک متغیر اصلاح و به صورت زیر ارائه شد:

$$TACC_{it} = \beta_0 + \beta_1 \frac{1}{TA_{it}} + \beta_2 \Delta Sales_{it} - \Delta REC_{it} + \beta_3 PPE_{it} + \varepsilon$$

که در آن:

TACC: بیانگر کل اقلام تعهدی است که از تفاوت سود عملیاتی و جریان‌های نقدی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی به دست می‌آید.

TA: بیانگر متوسط کل دارایی‌ها است که از تقسیم مجموع دارایی‌های ابتدا و پایان دوره بر عدد ۲ بدست می‌آید.  
 $\Delta SALES$ : بیانگر تغییر در درآمد حاصل از فروش عملیات طی یکسال مالی است که از تفاوت فروش پایان دوره با اول دوره به دست می‌آید.

$\Delta REC$ : بیانگر تغییر در حساب‌های دریافتی است که از تفاوت حساب‌ها و اسناد دریافتی تجاری پایان دوره با اول دوره به دست می‌آید.

PPE: نشانگر ارزش ناخالص دارایی‌های شرکت است.

مدیریت سود اقلام واقعی: در این پژوهش، مطابق با پژوهش (کوهن و زاروین<sup>۵۲</sup>، ۲۰۱۰) از مدل‌های (A)، (B) و (C) برای برآورد معیارهای مدیریت سود واقعی استفاده شده است؛ به نحوی که باقیمانده این مدل‌ها به عنوان معیارهای مدیریت سود واقعی در نظر گرفته شده است:

جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی

$$\frac{CFO_{i,t}}{TA_{i,t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{1}{TA_{i,t-1}} + \alpha_2 \frac{Sales_{i,t}}{TA_{i,t-1}} + \alpha_3 \frac{\Delta Sales_{i,t}}{TA_{i,t-1}} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{رابطه (A)}$$

$CFO_{i,t}$ : جریان‌های نقد عملیاتی شرکت i در پایان سال t.  
 $TA_{i,t-1}$ : جمع کل دارایی‌های شرکت i در پایان سال t-1.  
 $Sales_{i,t}$ : فروش شرکت i در سال t.  
 $\Delta Sales_{i,t}$ : تغییرات فروش شرکت i در پایان سال t.  
 $\varepsilon_{i,t}$ : باقیمانده مدل (جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی).

هزینه تولید غیرعادی

$$\frac{PROD_{i,t}}{TA_{i,t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{1}{TA_{i,t-1}} + \alpha_2 \frac{Sales_{i,t}}{TA_{i,t-1}} + \alpha_3 \frac{\Delta Sales_{i,t}}{TA_{i,t-1}} + \alpha_4 \frac{\Delta Sales_{i,t-1}}{TA_{i,t-1}} + \delta_{i,t} \quad \text{رابطه (B)}$$

$PROD_{i,t}$ : هزینه تولید شرکت i در پایان سال t که برابر است با بهای تمام شده کالای فروش رفته + تغییرات در موجودی کالا.

$\Delta Sales_{i,t-1}$ : تغییرات فروش شرکت i در پایان سال t-1.

$\delta_{i,t}$ : باقیمانده مدل (هزینه تولید غیرعادی)

هزینه اختیاری غیرعادی

$$\frac{DISEXP_{i,t}}{TA_{i,t-1}} = \alpha_0 + \alpha_1 \frac{1}{TA_{i,t-1}} + \alpha_2 \frac{Sales_{i,t}}{TA_{i,t-1}} + \lambda_{i,t} \quad \text{رابطه (C)}$$

$DISEXP_{i,t}$  هزینه اختیاری شرکت که برابر است با هزینه های اداری و فروش.

$\lambda_{i,t}$  باقیمانده مدل (هزینه اختیاری غیرعادی).

معیارهای مدیریت سود واقعی که بر اساس باقیمانده های مدل (A)، (B) و (C) محاسبه شده است، در مدل های اصلی پژوهش جایگزین EM می شود؛ به عبارت دیگر مدل های رگرسیونی جهت آزمون فرضیه های پژوهش هرکدام سه مرتبه برازش می شود. به منظور سنجش مدیریت سود واقعی از رابطه (D) استفاده خواهد شد که در آن AbREM معرف مدیریت سود واقعی و نشان دهنده معیار اصلی مدیریت سود واقعی است.

$$AbREM = (-1)AbCFO + AbPROD + (-1)AbDISEXP \quad \text{رابطه (D)}$$

متغیرهای مستقل این پژوهش میزان مالکیت دولتی و تمرکز مالکیت دولتی می باشد.

میزان مالکیت دولتی: از مجموع سهام در اختیار سهامداران دولتی تقسیم بر کل سهام منتشره محاسبه می گردد. تمرکز مالکیت دولتی: به منظور محاسبه نسبت تمرکز مالکیت از شاخص هرfindal -هیرشمن استفاده میشود. شاخص مزبور از مجموع مجذور درصد سهام متعلق به سهامداران شرکتها به دست می آید. این شاخص به موازات افزایش میزان تمرکز مالکیت افزایش پیدا کرده و در شرایطی که کل سهام متعلق به یک نفر باشد، بیشترین ارزش را به خود اختصاص داده و در صورتیکه ساختار مالکیت پراکنده بوده و کلیه سهامداران، دارای نسبتهای مساوی باشند کمترین ارزش را دارد (هرfindal<sup>1</sup>، ۱۹۵۹).

با بررسی و تأیید تأثیر متغیرهای کنترلی بر کیفیت گزارشگری مالی در پژوهش های پیشین، متغیرهای زیر در قالب متغیرهای کنترلی تعریف و در پژوهش مورد استفاده قرار می گیرد:

سن شرکت (Firm age): سن شرکت از تفاضل سال مورد بررسی و سال تاسیس شرکت بدست می آید اسپریس و فرینو<sup>(۲۰۱۳)</sup>، تأثیر مثبت سن شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی را تأیید نمودند. اندازه شرکت (Firm size): برای اندازه گیری اندازه شرکت در این پژوهش از لگاریتم طبیعی مجموع دارایی ها استفاده خواهد شد. رضایی و ویسی حصار<sup>(۱۳۹۳)</sup> تأثیر اندازه شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی را تأیید نمودند. بازده دارایی ها (ROA): اسپریس و فرینو<sup>(۲۰۱۳)</sup>، تأثیر بازده دارایی ها بر کارایی اطلاعاتی قیمت سهام را تأیید نمودند. این متغیر، از نسبت سود خالص به کل دارایی ها بدست می آید (افلاطونی، ۱۳۹۴). افلاطونی (۱۳۹۵) تأثیر بازده دارایی ها بر کیفیت گزارشگری مالی را تأیید نمودند. زیان ده بودن شرکت (LOSS): گوردون<sup>(۲۰۱۶)</sup>، تأثیر زیان ده بودن شرکت را بر سرعت تعدیل قیمت سهام تأیید نموده است. برای موارد گزارش زیان مقدار ۱ و در غیر اینصورت مقدار صفر اختصاص می یابد (افلاطونی، ۱۳۹۵). افلاطونی (۱۳۹۵) تأثیر زیان ده بودن شرکت ها بر کیفیت گزارشگری مالی

<sup>1</sup> Herfindal



را تأیید نمودند. اهرم مالی (Lev): اسپریس و فرینو (۲۰۱۵)، تأثیر اهرم مالی بر کارایی اطلاعاتی قیمت سهام را تأیید نمودند. اهرم مالی از تقسیم کل بدهی ها بر کل دارایی ها بدست می آید. رضایی و ویسی حصار (۱۳۹۳) تأثیر اهرم مالی بر کیفیت گزارشگری مالی را تأیید نمودند. اندازه جریان های نقدی (OCF): با محاسبه جریان های نقدی عملیاتی از طریق تقسیم خالص جریان نقدی عملیاتی بر مجموع دارایی ها اندازه گیری می شود. محمد و همکاران (۲۰۱۲) تأثیر اندازه جریان های نقدی را بر کیفیت سود تأیید نمودند.

نوع حسابرس (AUDIT): از دیدگاه حسابرسان، اندازهی مؤسسهی حسابرسی یکی از ویژگی‌هایی است که بر کیفیت حسابرسی اثر دارد. دی آنجلو (۱۹۸۱)، معتقد است که مؤسسات حسابرسی بزرگ‌تر، خدمات حسابرسی با کیفیت بالاتر ارائه می‌کنند، زیرا علاقه‌مند هستند که شهرت بهتری در بازار کار به دست آورند و به دلیل اینکه تعداد مشتریان آنان زیاد است، نگران از دست دادن مشتریان خود نیستند. تصور بر این است که چنین مؤسساتی به دلیل دسترسی به منابع و امکانات بیشتر برای آموزش حسابرسان خود و انجام آزمونهای مختلف، خدمات حسابرسی را با کیفیت بالاتری ارائه می‌کنند. اندازهی مؤسسهی حسابرسی یک متغیر موهومی است که اگر شرکت توسط سازمان حسابرسی مورد رسیدگی قرار گرفته باشد، عدد ۱ و در غیر این صورت، عدد صفر را می‌پذیرد (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۹، نمازی و همکاران، ۱۳۹۰). در صورتی که گزارش حسابرسی توسط سازمان حسابرسی صادر شده باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر اختصاص می‌یابد. رشد فروش (SALESGROWTH): از نسبت تفاضل فروش سال جاری و فروش سال قبل بر فروش سال قبل محاسبه می‌شود (رضایی و ویسی حصار، ۱۳۹۳). فرصت رشد (MTB): که از نسبت ارزش بازار دارایی ها بر ارزش دفتری دارایی ها محاسبه می‌شود و ارزش بازار دارایی ها از طریق محاسبه مجموع ارزش دفتری دارایی ها و ما به التفاوت ارزش بازار و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام اندازه گیری می‌شود. رضایی و ویسی حصار (۱۳۹۳) تأثیر فرصت رشد را بر کیفیت گزارشگری مالی را تأیید نمودند.

## یافته‌های پژوهش

### آماره‌های توصیفی

برای بررسی مشخصات عمومی و پایه‌ای متغیرها جهت برآورد مدل، تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها و شناخت جامعه آماری مورد تحقیق، آشنایی با آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. خلاصه ویژگی‌های آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق در جدول ۱ خلاصه شده است. آماره‌های گزارش شده در برگزیده شاخص‌ها و معیارهای مرکزی شامل میانگین و شاخص‌های پراکندگی شامل کمینه، بیشینه و انحراف معیار متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق می‌باشد.

جدول ۱. نتایج آماره‌های توصیفی مورد استفاده در این تحقیق

متغیر	نماد	میانگین	انحراف معیار	مینیمم	ماکزیمم
کیفیت افشا	DDQ	۶۸.۳۴۸	۲۱.۹۱۰	-۱.۶۷۴	۹۹.۹۰۶
کیفیت اقلام تعهدی	DAIQ	۰.۰۴۳	۰.۰۳۹	۰.۰۰۰۰۵	۰.۲۲۷
مدیریت سود اقلام درآمدی	DPEM	۰.۰۶۹	۰.۰۷۱	۹.۹۴e-۰۶	۰.۶۲۸
مدیریت سود تعهدی	DAEM	۰.۰۷۸	۰.۰۷۴	۸.۵۷e-۰۶	۰.۸۱۶
مدیریت سود واقعی	DREM	۶.۸۳e-۱۰	۰.۱۸۷	-۱.۷۲۷	۰.۸۷۰
مالکیت دولتی	GO	۰.۰۹۹	۰.۱۸۴	۰	۰.۹۴۹
فرصت رشد	MB	۳.۰۵۶	۲.۶۷۲	-۶.۹۳۱	۱۴.۸۳۰
سن شرکت	AGE	۳.۵۷۹	۰.۴۱۷	۲.۰۷۹	۴.۴۷۷
اندازه شرکت	SIZE	۱۳.۸۷۵	۱.۵۱۴	۱۰.۰۳۱	۱۹.۳۱۳
نوع حسابرس	AUDIT	۰.۲۳۶	۰.۴۲۴	۰	۱
بازده دارایی‌ها	ROA	۰.۰۹۸	۰.۱۳۷	-۰.۶۰۷	۰.۶۲۱
زیان شرکت	LOSS	۰.۱۴۰	۰.۳۴۷	۰	۱
اهرم مالی	LEV	۰.۶۰۶	۰.۲۱۶	۰.۰۷۷	۱.۶۵۹
اندازه جریان نقدی	OCF	۰.۱۱۸	۰.۱۳۴	-۰.۴۰۸	۰.۷۶۰
رشد فروش	salesgrowth	۰.۲۱۵	۰.۴۸۸	-۰.۹۳۱	۵.۳۵۵

## هم‌خطی مدل پژوهش

به‌منظور اطمینان از عدم وجود هم‌خطی متغیرهای مستقل، از آزمون عامل تورم واریانس استفاده شده است. اگر مقدار آماره VIF کمتر از ۱۰ باشد، نشان‌دهنده عدم وجود هم‌خطی و معنادار بودن نتایج رگرسیون است. نتایج حاصل از این آزمون در جدول ۲ ارائه شده است. با بررسی نتایج حاصل از آزمون هم‌خطی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین متغیرهای توضیحی این رگرسیون، هم‌خطی وجود نداشته و نتایج حاصل از مدل رگرسیون قابل‌اتکا می‌باشد.

جدول ۲. نتایج آزمون عامل تورم واریانس مدل‌های پژوهش

متغیر	VIF مدل (کیفیت افشا)	VIF مدل (کیفیت اقلام تعهدی)	VIF مدل (مدیریت سود اقلام درآمدی)	VIF مدل (مدیریت سود واقعی)	VIF مدل (مدیریت سود اقلام تعهدی)
بازده دارایی‌ها	۲.۷۱	۲.۷۱	۲.۷۳	۲.۷۳	۲.۷۳
اندازه شرکت	۲.۳۷	۲.۳۷	۲.۳۵	۲.۳۵	۲.۳۵
منافع سیاسی	۲.۲۶	۲.۲۶	۲.۲۵	۲.۲۵	۲.۲۵
اهرم مالی	۱.۶۶	۱.۶۶	۱.۶۷	۱.۶۷	۱.۶۷

متغیر	VIF مدل (کیفیت افشا)	VIF مدل (کیفیت ارقام تعهدی)	VIF مدل (مدیریت سود ارقام در آمدی)	VIF مدل (مدیریت سود واقعی)	VIF مدل (مدیریت سود ارقام تعهدی)
زیان شرکت	۱.۵۶	۱.۵۶	۱.۵۶	۱.۵۶	۱.۵۶
نوع حسابرس	۱.۱۶	۱.۱۶	۱.۱۶	۱.۱۶	۱.۱۶
اندازه جریان نقدی	۱.۴۰	۱.۴۰	۱.۴۰	۱.۴۰	۱.۴۰
رشد فروش	۱.۰۸	۱.۰۸	۱.۰۷	۱.۰۷	۱.۰۷
مالکیت دولتی	۱.۰۵	۱.۰۵	۱.۰۵	۱.۰۵	۱.۰۵
سن شرکت	۱.۰۴	۱.۰۴	۱.۰۴	۱.۰۴	۱.۰۴
فرصت رشد	۱.۰۰	۱.۰۰	۱.۰۰	۱.۰۰	۱.۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

### آزمون های انتخاب نوع مدل پژوهش

در این پژوهش، برای انتخاب مدل تحلیل داده ها و استفاده از داده های ترکیبی یا تلفیقی، آزمون F لیمر اجرا شده است. پس از تأیید پایایی متغیرهای پژوهش در مراحل قبل، اقدام به انتخاب نوع مدل از طریق آزمون F لیمر می‌نماییم.

جدول ۳. نتایج آزمون چاو و هاسمن

فرضیه	آزمون F لیمر			آزمون هاسمن		
	آماره	P-value	نتیجه	آماره	P-value	نتیجه
۱	۱/۱۲	۰/۱۷۹	Pooled	-	-	-
۲	۲/۶۴	۰/۰۰۰	Panel	۱۴/۴۴	۰/۲۰۹	Random
۳	۲/۴۱	۰/۰۰۰	Panel	۱۰/۶۹	۰/۴۶۹	Random
۴	۱/۹۳	۰/۰۰۰	Panel	۴۱/۰۶	۰/۰۰۰۰	Fix
۵	۱۰/۵۹	۰/۰۰۰	Panel	۱۰۶/۹۱	۰/۰۰۰۰	Fix
۶	۱/۱۳	۰/۱۷۶۳	Pooled	-	-	-
۷	۲/۶۴	۰/۰۰۰	Panel	۰/۱۴	۰/۱۸۰	Random
۸	۲/۴۱	۰/۰۰۰	Panel	۲۹/۳۷	۰/۰۰۰۰	Fix
۹	۱/۹۳	۰/۰۰۰	Panel	۴۳/۱۸	۰/۰۰۰۰	Fix
۱۰	۱۰/۵۹	۰/۰۰۰	Panel	۰/۶۳	۰/۰۰۰۰	Fix

- فرضیه ۱: میزان مالکیت دولتی بر کیفیت افشاء تاثیر دارد.  
 فرضیه ۲: میزان مالکیت دولتی بر کیفیت اقلام تعهدی تاثیر دارد.  
 فرضیه ۳: میزان مالکیت دولتی بر مدیریت سود از طریق اقلام درآمدی تاثیر دارد.  
 فرضیه ۴: میزان مالکیت دولتی بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی تاثیر دارد.  
 فرضیه ۵: میزان مالکیت دولتی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی تاثیر دارد.

متغیر	کیفیت افشاء (DDQ)		کیفیت اقلام تعهدی (DAIQ)		مدیریت سود از طریق اقلام درآمدی (DPEM)		مدیریت سود از طریق اقلام واقعی (DREM)	
	احتمال	ضریب	احتمال	ضریب	احتمال	ضریب	احتمال	ضریب
ضریب ثابت	۰.۰۰۰	۸۰.۴۵۴	۰.۰۰۸	۰.۰۴۶	۰.۰۰۳	۰.۰۹۴	۰.۰۲۵	۰.۱۳۲
مالکیت دولتی	۰.۰۰۰	۱۱.۷۵۷	۰.۰۰۰	۰.۰۰۸	۰.۰۰۳	۰.۰۰۳	۰.۲۶۲	-۰.۰۲۳
منافع سیاسی	۰.۰۰۴	۴.۹۸۸	۰.۰۰۱	۰.۰۰۱	۰.۰۰۳	۰.۰۷۳	۰.۵۱۰	۰.۰۰۷
فرصت رشد	۰.۳۶۴	-۰.۱۹۱	۰.۰۰۵	۰.۰۰۵	-۰.۰۰۱	۰.۰۴۷	۰.۶۴۱	-۰.۰۰۶
سن شرکت	۰.۷۶۱	۰.۴۱۷	-۰.۰۰۳	۰.۱۵۱	۰.۰۰۴	۰.۴۱۳	۰.۹۹۸	۰.۰۰۰
اندازه شرکت	۰.۵۵۵	-۰.۳۴۴	۰.۰۰۳	۰.۷۷۵	-۰.۰۰۴	۰.۰۴۴	۰.۸۶۵	-۰.۰۰۶
نوع حسابرسی	۰.۰۰۰	-۱۱.۷۰۱	۰.۰۰۴	۰.۱۰۶	۰.۰۰۴	۰.۳۹۴	۰.۸۳۶	-۰.۰۰۱
بازده دارایی‌ها	۰.۰۰۱	۲۳.۱۷۷	۰.۰۱۵	۰.۲۵۲	۰.۰۳۰	۰.۲۰۸	۰.۸۰۹	-۰.۰۱۱
زیان شرکت	۰.۰۰۰	-۱۲.۴۶۸	۰.۰۱۱	۰.۰۰۴	۰.۰۰۳	۰.۶۱۲	۰.۰۲۶	۰.۰۳۰
اهرم مالی	۰.۰۰۱	-۱۱.۵۱۶	۰.۰۰۹	۰.۸۸۴	۰.۰۳۰	۰.۰۱۱	۰.۹۴۹	۰.۰۰۱
اندازه جریان نقدی	۰.۲۶۱	۵.۶۶۹	۰.۰۰۲	۰.۹۷۶	-۰.۰۱۳	۰.۴۴۳	۰.۳۴۱	۰.۰۳۱
رشد فروش	۰.۰۰۴	-۳.۷۴۳	-۰.۰۰۱	۰.۵۶۱	-۰.۰۰۲	۰.۵۲۷	۰.۵۲۳	۰.۰۰۴
آماره f	۳۳/۲۶		۱/۵۱		۱/۶۰		۰/۹۵	
سطح معناداری آماره f	۰/۰۰۰		۰/۱۲۱۹		۰/۰۹۴۱		۰/۴۹۴۱	
ضریب تعیین	۰/۲۴۶		۰/۰۱۳۲		۰/۰۱۴۰		۰/۰۰۸۳	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۳۸		۰/۰۰۴۵		۰/۰۰۵۲		۰/۰۰۰۵	

در بررسی معنی‌دار بودن مدل ۱؛ با توجه به این که در این مدل مقدار احتمال آماره F از ۵٪ کوچک‌تر می‌باشد (۰.۰۰۰)؛ با اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار بودن مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز گویای آن است که ۲۳/۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته کیفیت افشاء توسط متغیرهای وارد شده در مدل‌ها تبیین می‌شود. در بررسی معنی‌داری ضرایب؛ از آنجایی که احتمال آماره t برای ضریب متغیر مستقل میزان مالکیت دولتی کوچکتر از ۵٪ می‌باشد (۰.۰۰۰)، وجود تأثیر معنی‌دار متغیر میزان مالکیت دولتی بر کیفیت افشاء در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین فرضیه ۱ مبنی بر تأثیر میزان مالکیت دولتی بر کیفیت افشاء در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود و می‌توان به این نتیجه رسید که میزان مالکیت دولتی بر کیفیت افشاء تأثیر معنی‌داری دارد.

همچنین تأثیر معنی‌دار متغیرهای کنترلی منافع سیاسی، نوع حساسرس، بازده دارایی‌ها، زیانده بودن شرکت، اهرم مالی و رشد فروش بر کیفیت افشاء مشاهده گردید.

در بررسی معنی‌دار بودن مدل ۲؛ با توجه به این که در این مدل مقدار احتمال آماره F از ۵٪ بزرگتر می‌باشد (۰.۱۲۱۹)؛ معنی‌دار بودن مدل تأیید نمی‌شود. ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل نیز گویای آن است که ۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته کیفیت اقلام تعهدی توسط متغیرهای وارد شده در مدل‌ها تبیین می‌شود. در بررسی معنی‌داری ضرایب؛ از آنجایی که احتمال آماره t برای ضریب متغیر مستقل میزان مالکیت دولتی بزرگتر از ۵٪ می‌باشد (۰.۸۹)، وجود تأثیر معنی‌دار متغیر میزان مالکیت دولتی بر کیفیت اقلام تعهدی در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. بنابراین فرضیه ۲ مبنی بر تأثیر میزان مالکیت دولتی بر کیفیت اقلام تعهدی در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید نمی‌شود و می‌توان به این نتیجه رسید که میزان مالکیت دولتی بر کیفیت اقلام تعهدی تأثیر معنی‌داری ندارد. همچنین تأثیر معنی‌دار متغیر کنترلی زیانده بودن شرکت بر کیفیت افشاء مشاهده گردید. در بررسی معنی‌دار بودن مدل ۳؛ با توجه به این که در این مدل مقدار احتمال آماره F از ۵٪ بزرگتر می‌باشد (۰.۰۰۹)؛ معنی‌دار بودن مدل تأیید نمی‌شود. ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل نیز گویای آن است که ۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته مدیریت سود از طریق اقلام درآمدی توسط متغیرهای وارد شده در مدل‌ها تبیین می‌شود. در بررسی معنی‌داری ضرایب؛ از آنجایی که احتمال آماره t برای ضریب متغیر مستقل میزان مالکیت دولتی بزرگتر از ۵٪ می‌باشد (۰.۷۵)، وجود تأثیر معنی‌دار متغیر میزان مالکیت دولتی بر مدیریت سود از طریق اقلام درآمدی در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. بنابراین فرضیه ۳ مبنی بر تأثیر میزان مالکیت دولتی بر مدیریت سود از طریق اقلام درآمدی تأثیر معنی‌داری ندارد. همچنین تأثیر معنی‌دار متغیرهای کنترلی فرصت رشد، اندازه شرکت و اهرم مالی از طریق اقلام درآمدی مشاهده گردید.

در بررسی معنی‌دار بودن مدل ۴؛ با توجه به این که در این مدل مقدار احتمال آماره F از ۵٪ بزرگتر می‌باشد (۰.۰۶۳)؛ با اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار بودن مدل تأیید نمی‌شود. ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل نیز گویای آن است که ۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی توسط متغیرهای وارد شده در مدل‌ها تبیین می‌شود. در بررسی معنی‌داری ضرایب؛ از آنجایی که احتمال آماره t برای ضریب متغیر مستقل میزان مالکیت دولتی بزرگتر از ۵٪ می‌باشد (۰.۷۱)، وجود تأثیر معنی‌دار متغیر میزان مالکیت دولتی بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. بنابراین فرضیه ۴ مبنی بر تأثیر میزان مالکیت دولتی بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود و می‌توان به این نتیجه رسید که میزان مالکیت دولتی بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی تأثیر معنی‌داری ندارد.

در بررسی معنی‌دار بودن مدل ۵؛ با توجه به این که در این مدل مقدار احتمال آماره F از ۵٪ بزرگتر می‌باشد (۰.۰۴۹)؛ معنی‌دار بودن مدل تأیید نمی‌شود. ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل نیز گویای آن است که ۰/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته مدیریت سود از طریق اقلام واقعی توسط متغیرهای وارد شده در مدل‌ها تبیین می‌شود. در بررسی معنی‌داری ضرایب؛ از آنجایی که احتمال آماره t برای ضریب متغیر مستقل میزان مالکیت

دولتی بزرگتر از ۵٪ می‌باشد (۰.۲۶)، وجود تأثیر معنی‌دار متغیر میزان مالکیت دولتی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. بنابراین فرضیه ۵ مبنی بر تأثیر میزان مالکیت دولتی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود و می‌توان به این نتیجه رسید که میزان مالکیت دولتی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی تأثیر معنی‌داری ندارد. همچنین تأثیر معنی‌دار متغیرهای کنترلی زیانده بودن شرکت بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی مشاهده گردید.

فرضیه ۶: میزان تمرکز مالکیت بر کیفیت اقلام تأثیر دارد.

فرضیه ۷: میزان تمرکز مالکیت بر کیفیت اقلام تعهدی تأثیر دارد.

فرضیه ۸: میزان تمرکز مالکیت بر مدیریت سود از طریق اقلام درآمدی تأثیر دارد.

فرضیه ۹: میزان تمرکز مالکیت بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی تأثیر دارد.

فرضیه ۱۰: میزان تمرکز مالکیت بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی تأثیر دارد.

مدیریت سود از طریق اقلام واقعی (DREM)	مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی (DAEM)		مدیریت سود از طریق اقلام درآمدی (DPEM)		کیفیت اقلام تعهدی (DAIQ)		کیفیت اقلام (DDQ)		متغیر	
	احتمال	ضریب	احتمال	ضریب	احتمال	ضریب	احتمال	ضریب		
۰/۰۲۳	۰/۱۱۳	۰/۵۵۷	۰/۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰۰	۸۲/۶۶	ضریب ثابت
۰/۰۲۳	۰/۱۱۳	۰/۵۵۷	۰/۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۹	۰/۰۰۹	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰۰	۸۲/۶۶	تمرکز مالکیت FGO
۰/۳۷۰	-۰/۰۰۲	۰/۵۰۸	۰/۰۱	۰/۸۲۸	-۰/۰۰۳	۰/۷۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰۰	-۱۹/۷۵	منافع سیاسی PI
۰/۵۲۳	۰/۰۰۷	۰/۲۰۹	-۰/۰۰۷	۰/۵۷۷	۰/۰۰۳	۰/۵۷۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰۵	۴/۸۴	فرصت رشد MB
۰/۶۳۵	-۰/۰۰۰۶	۰/۸۲۵	۰/۰۰۰۱	۰/۰۴۷	-۰/۰۰۱	۰/۱۹۷	۰/۰۰۰۵	۰/۳۴۱	-۰/۲۰	سن شرکت AGE
۰/۹۴۱	-۰/۰۰۰۶	۰/۲۴۲	۰/۰۰۶	۰/۴۲۴	۰/۰۰۳	۰/۱۵۵	-۰/۰۰۳	۰/۹۸۹	-۰/۰۱	اندازه شرکت SIZE
۰/۸۶۰	۰/۰۰۰۶	۰/۱۷۷	۰/۰۰۲	۰/۰۴۴	-۰/۰۰۴	۰/۷۵۰	۰/۰۰۰۳	۰/۴۹۸	-۰/۳۹	نوع حسابرس AUDIT
۰/۷۷۱	-۰/۰۰۲	۰/۲۹۴	-۰/۰۰۵	۰/۴۰۶	۰/۰۰۴	۰/۱۲۱	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰۰	-۱۱/۸۹	بازده دارایی‌ها ROA
۰/۷۷۴	-۰/۰۰۱	۰/۸۰۸	۰/۰۰۶	۰/۲۱۲	۰/۰۰۳	۰/۲۵۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰۲	۲۲/۰۴	زیان شرکت LOSS
۰/۰۲۸	۰/۲۹	۰/۱۲۴	۰/۰۰۱	۰/۶۱۷	۰/۰۰۳	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰۰	-۱۲/۵۸	اهرم مالی LEV
۰/۹۶۶	۰/۰۰۰۹	۰/۹۰۷	-۰/۰۰۱	۰/۰۱۲	۰/۰۰۳	۰/۸۹۲	۰/۰۰۰۹	۰/۰۰۰۱	-۱۱/۶۵	اندازه جریان نقدی OFC
۰/۳۴۲	۰/۰۰۳	۰/۵۳۷	۰/۰۰۱	۰/۴۴۳	-۰/۰۰۱	۰/۹۷۶	۰/۰۰۰۳	۰/۲۶۴	۵/۶۳	رشد فروش SaleGrowth
۰/۹۱	۰/۸۳	۱/۵۹	۱/۵۲	۳۳/۶۲	آماره f					
۰/۵۳۵۴	۰/۶۱۰۸	۰/۰۹۵۴	۰/۱۱	۰/۰۰۰۰	سطح معناداری آماره f					
۰/۰۰۸۰	۰/۰۰۷۳	۰/۰۱۳۹	۰/۰۱۳۳	۰/۲۴۷۶	ضریب تعیین					
۰/۰۰۰۸	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۵۲	۰/۰۰۴۶	۰/۲۴۰۲	ضریب تعیین تعدیل شده					

در بررسی معنی‌دار بودن مدل ۶؛ با توجه به این که در این مدل مقدار احتمال آماره F از ۵٪ کوچکتر می‌باشد (۰.۰۰۰)؛ با اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار بودن مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز گویای آن

است که ۲۴/۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته کیفیت افشاء توسط متغیرهای وارد شده در مدل‌ها تبیین می‌شود. در بررسی معنی‌داری ضرایب؛ از آنجایی که احتمال آماره  $t$  برای ضریب متغیر مستقل میزان تمرکز مالکیت کوچکتر از ۵٪ می‌باشد (۰.۰۰۰)، وجود تأثیر معنی‌دار متغیر میزان تمرکز مالکیت بر کیفیت افشاء در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار می‌گیرد. بنابراین فرضیه ۶ مبنی بر تأثیر میزان تمرکز مالکیت بر کیفیت افشاء در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید می‌شود و می‌توان به این نتیجه رسید که میزان تمرکز مالکیت بر کیفیت افشاء تأثیر معنی‌داری دارد. همچنین تأثیر معنی‌دار متغیرهای کنترلی منافع سیاسی، نوع حسابرسان، بازده دارایی‌ها، زیانده بودن شرکت، اهرم مالی و رشد فروش بر کیفیت افشاء مشاهده گردید.

در بررسی معنی‌دار بودن مدل ۷؛ با توجه به این که در این مدل مقدار احتمال آماره  $F$  از ۵٪ بزرگتر می‌باشد (۰.۱۱)؛ معنی‌دار بودن مدل تأیید نمی‌شود. ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل نیز گویای آن است که ۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته کیفیت اقلام تعهدی توسط متغیرهای وارد شده در مدل‌ها تبیین می‌شود. در بررسی معنی‌داری ضرایب؛ از آنجایی که احتمال آماره  $t$  برای ضریب متغیر مستقل میزان تمرکز مالکیت بزرگتر از ۵٪ می‌باشد (۰.۷۰)، وجود تأثیر معنی‌دار متغیر میزان تمرکز مالکیت بر کیفیت اقلام تعهدی در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. بنابراین فرضیه ۷ مبنی بر تأثیر میزان تمرکز مالکیت بر کیفیت اقلام تعهدی در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید نمی‌شود و می‌توان به این نتیجه رسید که میزان تمرکز مالکیت بر کیفیت اقلام تعهدی تأثیر معنی‌داری ندارد. همچنین تأثیر معنی‌دار متغیر کنترلی زیانده بودن شرکت بر کیفیت افشاء مشاهده گردید.

در بررسی معنی‌دار بودن مدل ۸؛ با توجه به این که در این مدل مقدار احتمال آماره  $F$  از ۵٪ بزرگتر می‌باشد (۰.۰۹)؛ معنی‌دار بودن مدل تأیید نمی‌شود. ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل نیز گویای آن است که ۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته مدیریت سود از طریق اقلام درآمدی توسط متغیرهای وارد شده در مدل‌ها تبیین می‌شود. در بررسی معنی‌داری ضرایب؛ از آنجایی که احتمال آماره  $t$  برای ضریب متغیر مستقل میزان تمرکز مالکیت بزرگتر از ۵٪ می‌باشد (۰.۸۲)، وجود تأثیر معنی‌دار متغیر میزان تمرکز مالکیت بر مدیریت سود از طریق اقلام درآمدی در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. بنابراین فرضیه ۸ مبنی بر تأثیر میزان تمرکز مالکیت بر مدیریت سود از طریق اقلام درآمدی در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود و می‌توان به این نتیجه رسید که میزان تمرکز مالکیت بر مدیریت سود از طریق اقلام درآمدی تأثیر معنی‌داری ندارد. همچنین تأثیر معنی‌دار متغیرهای کنترلی فرصت رشد، اندازه شرکت و اهرم مالی از طریق اقلام درآمدی مشاهده گردید.

در بررسی معنی‌دار بودن مدل ۹؛ با توجه به این که در این مدل مقدار احتمال آماره  $F$  از ۵٪ بزرگتر می‌باشد (۰.۸۳)؛ با اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار بودن مدل تأیید نمی‌شود. ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل نیز گویای آن است که ۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی توسط متغیرهای وارد شده در مدل‌ها تبیین می‌شود. در بررسی معنی‌داری ضرایب؛ از آنجایی که احتمال آماره  $t$  برای ضریب متغیر مستقل میزان تمرکز مالکیت بزرگتر از ۵٪ می‌باشد (۰.۵۰)، وجود تأثیر معنی‌دار متغیر میزان تمرکز مالکیت بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. بنابراین فرضیه ۹ مبنی بر تأثیر میزان تمرکز

مالکیت بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود و می‌توان به این نتیجه رسید که میزان تمرکز مالکیت بر مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی تأثیر معنی‌داری ندارد. در بررسی معنی‌دار بودن مدل ۱۰؛ با توجه به این که در این مدل مقدار احتمال آماره F از ۵٪ بزرگتر می‌باشد (۰.۵۳)؛ معنی‌دار بودن مدل تأیید نمی‌شود. ضریب تعیین تعدیل‌شده مدل نیز گویای آن است که ۰/۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته مدیریت سود از طریق اقلام واقعی توسط متغیرهای وارد شده در مدل‌ها تبیین می‌شود. در بررسی معنی‌داری ضرایب؛ از آنجایی که احتمال آماره t برای ضریب متغیر مستقل میزان تمرکز مالکیت بزرگتر از ۵٪ می‌باشد (۰.۳۷)، وجود تأثیر معنی‌دار متغیر میزان تمرکز مالکیت بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی در سطح اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار نمی‌گیرد. بنابراین فرضیه ۱۰ مبنی بر تأثیر میزان تمرکز مالکیت بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی در سطح اطمینان ۹۵٪ رد می‌شود و می‌توان به این نتیجه رسید که میزان تمرکز مالکیت بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی تأثیر معنی‌داری ندارد. همچنین تأثیر معنی‌دار متغیرهای کنترلی زیانده بودن شرکت بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی مشاهده گردید.

### بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی نقش دولت در کیفیت گزارشگری مالی با تأکید بر فرضیه نظارت کارا پیشنهاد می‌کند. از این رو، در این پژوهش تأثیر میزان مالکیت دولتی و تمرکز مالکیت دولتی بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های فعال در بازار سرمایه شناسایی و تحلیل شدند. بدین منظور، فرضیه‌هایی برای بررسی این موضوع تدوین و با استفاده از اطلاعات در دسترس تحلیل شد.

دخالت دولت و سیاستمداران در شرکت‌ها این تصور را ایجاد می‌کند که استقلال مدیران در این شرکت‌ها تحت تأثیر قرار گرفته است. طبق گفته چن (۲۰۰۴)، این امر باعث کاهش انگیزه مدیران برای نظارت بر موفقیت شرکت‌ها می‌باشد و در نتیجه مدیریت ممکن است به جای منافع شرکت به دنبال منافع شخصی خود باشد (اندروز و داوولینگ<sup>۱</sup> ۱۹۹۸). تضاد منافع بین نماینده و سهامداران اصلی در این شرکت‌ها مضعف است. مدیران نمایندگان دولت و سایر ذینفعان هستند. سیاستمداران به عنوان نمایندگان دولت عامل دولت هستند. منافع مدیران ممکن است با دولت و سایر ذینفعان متفاوت باشد. همچنین ممکن است تضاد منافع بین دولت، سیاستمداران و مدیران وجود داشته باشد. شرکت‌ها نه تنها متحمل هزینه‌های نمایندگی می‌شوند بلکه به ویژه متحمل هزینه‌های سیاسی نیز می‌شوند می‌توان گفت به طور خاص، هزینه‌های مربوط به کنترل شرکت‌ها توسط دولت یا سیاستمدارانی که اهداف سیاسی دارند و با شرکتهایی که هدف کارآیی اقتصادی است، متفاوت است (شلیفر و ویشنی، ۱۹۹۴). اگر شرکت‌ها تصور کنند که آنها به گونه‌ای عمل می‌کنند که می‌توانند مورد سوءاستفاده سیاستمداران و دولت قرار بگیرند، ممکن است هزینه‌های سیاسی بیشتری متحمل شوند (ایکین<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵).

1 Andrews & Dowling.

2 Ikin



این پژوهش شامل دو فرضیه اصلی بوده که در وحله اول نقش مالکیت دولت را در شاخص های کیفیت گزارشگری مالی و سپس نقش تمرکز مالکیت دولتی را در شاخص های کیفیت گزارشگری مالی تبیین می کند. نتایج آزمون فرضیه ها نشان دهنده تاثیر معنادار بین میزان مالکیت دولت بر کیفیت افشا است. به عبارتی دیگر با افزایش میزان مالکیت دولت، کیفیت افشاء شرکت ها تقویت خواهد شد. همچنین نتایج نمایانگر ارتباط معنادار بین تمرکز مالکیت و کیفیت افشا می باشد. به بیانی دیگر با افزایش تمرکز مالکیت دولتی، کیفیت افشاء شرکت ها تضعیف خواهد شد که بابتایج پژوهش های ام دی صالح (۲۰۰۹) و اوینگ ب و همکاران (۲۰۱۷) و قیصر رفیق و همکاران (۲۰۱۷) همسو می باشد. این یافته ها با فرضیه نظارت کارآمد سازگار است. می توان گفت دولت به عنوان سرمایه گذار نهادی، بر کیفیت افشای شرکتهای زیر نظر نقش نظارتی را ایفا می نمایند. برخی از تحقیقات انجام شده بر سطح مالکیت نهادی و تمرکز مالکیت اشاره داشته اند و با استناد به آن ها می توان گفت که سرمایه گذاران نهادی به دلیل وجود ابزارهای نظارتی می توانند بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت ها موثر باشند. اوینگ و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند شرکتهای دارای سرمایه گذاران نهادی از کیفیت بالایی در افشای اطلاعات مالی برخوردار هستند. قیصر رفیق و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند با افزایش سرمایه گذاران نهادی و افزایش نقش نظارتی آن ها، کیفیت گزارشگری مالی نیز افزایش می یابد. همچنین نتایج فرضیه ها نشان دهنده عدم تاثیر میزان مالکیت دولتی و تمرکز مالکیت دولتی بر کیفیت اقلام تعهدی و مدیریت سود اقلام تعهدی، درآمدی و واقعی می باشد که با نتایج پژوهش های پیوسیک و گنج (۲۰۲۰) و قیصر رفیق و همکاران (۲۰۱۷) همسو نمی باشد. با توجه به نتایج حاصل از آزمون فرضیه های پژوهش و مشخص شدن تاثیر مالکیت دولت و تمرکز مالکیت دولتی بر کیفیت گزارشگری مالی (کیفیت افشا)، به سرمایه گذاران بالفعل و بالقوه و همچنین سایر ذینفعان پیشنهاد می شود در هنگام سرمایه گذاری و تصمیمات سرمایه گذاری و تامین مالی، میزان نفوذ دولت از طریق میزان مالکیت دولت و تمرکز مالکیت دولت را در تصمیمات خود لحاظ نمایند. نظر به بی معنی بودن ارتباط مالکیت دولتی و تمرکز مالکیت دولتی و کیفیت اقلام تعهدی و مدیریت سود پیشنهادی می شود در مطالعات آتی سایر عوامل نفوذ دولت مانند افراد سیاسی در هیئت مدیره و روابط سیاسی شرکت به عنوان متغیر مستقل مورد سنجش قرار گیرد، همچنین، پیشنهاد می شود، نقش کیفیت حاکمیت شرکتی بر تعامل بین مالکیت دولت و کیفیت گزارشگری مورد ارزیابی قرار گرفته و این موضوع با سایر شاخص های اندازه گیری کیفیت گزارشگری مالی سهام مورد بررسی قرار گیرد.

### فهرست منابع

- \* ابراهیمی، سید کاظم؛ بهرامی نسب، علی؛ حسن زاده، مهدی (۱۳۹۶) "واکاوی کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در پرتو مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی"، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت سازمان های دولتی، دوره ۵، شماره ۲، بهار ۱۳۹۶، صص ۱۶۶-۱۵۵
- \* افلاطونی، عباس. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و پایداری سود با سرعت انعکاس اطلاعات در قیمت سهام. دانش حسابداری، ۶ (۲۲)، صص ۱۰۷-۱۳۰.

- \* افلاطونی، عباس. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری مالی و متقارن نبودن اطلاعات بر واکنش تأخیری قیمت سهام. پیشرفت‌های حسابداری، ۹ (۱۱)، صص ۱-۲۴.
- \* بخشی زاده، محمد و مشیدی، مژگان (۱۳۸۵) "خصوصی سازی در ایران"، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره روزنامه ۱۱۷۸، شماره خبر ۶۵۹۸۰۸، تاریخ چاپ ۱۳۸۵/۱۱/۲۸
- \* بنی مهد. بهمن، عربی. مهدی و حسن پور. شیوا، (۱۳۹۵)، پژوهش‌های تجربی و روش‌شناسی در حسابداری، انتشارات ترمه، چاپ اول.
- \* بنی مهد. بهمن، مرادزاده فرد. مهدی و ناصح. یعقوب، (۱۳۹۳)، مالکیت شرکت‌های سرمایه‌گذاری و ارزش سهام شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار، دانش سرمایه‌گذاری، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۵۷-۱۶۸.
- \* خداداد کاشی فرهاد. دیدگاه‌های مختلف در مورد مفهوم و نظریه رقابت و تطبیق آن با وضعیت رقابت در بخش صنعت ایران. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. ۱۳۸۸؛ ۱۷ (۵۱): ۲۵-۴۰
- \* خواجه نصیری، الهام (۱۳۹۱). «تأثیر ساختار مالکیت (تمرکز و ترکیب) بر کیفیت افشا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان
- \* رضایی، فرزین، ویسی حصار، ثریا. (۱۳۹۳). اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه سهام عادی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی ۴ (۲۱) صص ۴۴۹-۴۷۰
- \* شورورزی محمد رضا، خلیلی محسن، سلیمانی حمید، فروتن امید (۱۳۹۴) "ارتباط بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت بر مبنای رگرسیون فازی" فصلنامه پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی سال هفتم، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۴، صص ۱۲۱-۱۳۹
- \* طالب‌نیا، قدرت‌الله، صدیقی کمال، لایلا، (۱۳۹۶) بررسی مقایسه‌ای تأثیر نوع مالکیت دولتی و خصوصی بر کیفیت سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشریه تحقیقات حسابداری و حسابرسی دوره ۹، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۹۶، صفحه ۵۷-۴۲
- \* ملکیان، اسفندیار، سلمانی، رسول، شهسواری، معصومه. (۱۳۹۵). 'مطالعه رابطه بین مالکیت دولتی و نهادی با مسئولیت پذیری اجتماعی شرکت‌ها (شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران) دانش سرمایه‌گذاری، ۵ (۱۷)، pp. 55-74.
- \* منصور فر، غلامرضا؛ قادری، بهمن؛ دانشیار، فاطمه (۱۳۹۶) «فرضیه سیاسی و کیفیت گزارشگری مالی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران»، مجله مطالعات تجربی حسابداری مالی، مقاله ۶، دوره ۱۴، شماره ۵۳، بهار ۱۳۹۶، صفحه ۱۱۳-۱۴۲
- \* نمازی محمد، حلاج محمد و ابراهیمی شهلا (۱۳۸۸). تأثیر مالکیت نهادی بر عملکرد مالی گذشته و آتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه علمی پژوهشی بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۶، شماره ۵، صص ۱۱۳-۱۳۰.
- \* نیکومرام هاشم، بنی مهد بهمن، رهنمای رودپشتی فریدون، کیانی علی (۱۳۹۲). دیدگاه اقتصاد سیاسی و مدیریت سود، فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، سال ششم، شماره هجدهم، صص ۴۳-۳۳.

- \* Andrews, W. A., & Dowling, M. J. (1998). Explaining performance changes in newly privatized firms. *Journal of Management Studies*. 35. 601 -617.
- \* Bange, M & De Bondt, W (1998), 'R&D budgets and corporate earnings targets', *Journal of Corporate Finance*, vol.4, pp153-84.
- \* Belkaoui, A. R. (2004). Politically-connected firms: Are they connected to earnings opacity? *Research in Accounting Regulation*, 17. Retrieved May 15, 2006, from [http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract\\_id=45930](http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=45930)
- \* Bortolotti, B., & Faccio, M. (2006). Reluctant privatization. CEI Working Paper Series, No. 2006-5. Tokyo: Institute of Economic Research, Hitotsubashi University.
- \* Brigham, E.F., Gapenski, L.C. (1996). *Intermediate Financial Management*. 7th edition. SeaHarbor Drive: The Dryden Press.
- \* Brumby, J., Hynman, M. & Shepherd, S. (1997). State owned enterprise governance. *Public Management Service*, pp. 1-10.
- \* Buchanan, J., & Tullock, G. (1968). The "dead hand of monopoly. *Antitrust Law and Economics Review*, 1 (Summer), 85-96.
- \* Bushee, B. (1998), 'Institutional investors, long-term investment, and earnings management', Working Paper, Harvard University.
- \* Caylor, R., (2009), "Strategic Revenue Recognition to Achieve Earnings Benchmarks", *Journal of Accounting and Public Policy*, Forthcoming.
- \* Chaney, P., Faccio, M. and Parsley, D. (2011), "The Quality of Accounting Information in Politically Connected Firms", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 51, pp. 58-76.
- \* Chaney, P., Faccio, M. and Parsley, D. (2011), "The Quality of Accounting Information in Politically Connected Firms", *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 51, pp. 58-76.
- \* Chen, K.C.W., Yuan, H., 2004. Earnings management and capital resource allocation, evidence from China's accounting-based regulation of right issue. *The Accounting Review* 79 (3), 645-665.
- \* Chow, C. W., & Wong-Boren, A. (1987). Voluntary financial disclosure by Mexican corporations. *The Accounting Review*, 62(3), 533-541.
- \* Chung R, Firth M, Kim J-B. (2002) Institutional monitoring and opportunistic earnings management. *Journal of Corporate Finance*; 8: 29- 48.
- \* Claessens, S & Fan JPH (2002), 'Corporate governance in Asia: A survey', *International Review of Finance*, vol.3, no.2, pp71-103
- \* Cohen, D. and P. Zarowin. (2010). "Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings". *Journal of Accounting and Economics*, Vol.50, Pp.2-19.
- \* Cristina Gaio, Ines Pinto (2018), "The role of state ownership on earnings quality: evidence across public and private European firms", *Journal of Applied Accounting Research*, <https://doi.org/10.1108/JAAR-07-2016-0067>
- \* De Angelo, L. E. (1981). Auditor size and audit quality. *Journal of Accounting and Economics*. Vol. 3, No. 3: 183-199.
- \* Elyasiani, E. and J. Jane Jia (2008). "Institutional Ownership Stability and BHC Performance." *Journal of Banking & Finance*, Vol. 32, Pp. 1767-1781.
- \* Ernst, U. F. W. (2004). Methods for resolving problems of responsibility and transparency in the activities of SOEs in market economies: Models and results. *Corporate Ownership & Control*, 1(3). 37-43.
- \* Givoly, D., Hayn, C. and Katz, S. (2010), "Does Public Ownership of Equity Improve Earnings Quality?", *Accounting Review*, Vol. 85 No. 1, pp. 195-225
- \* Gross, C., Königsgruber, R., Pantzalis, C., Perotti, P. (2016) "The financial reporting consequences of proximity to political power" *Journal of Accounting and Public Policy*, Elsevier, Volume 35, Issue 6, Pages 609-634

- \* Habib, A., Ranasinghe, D., Muhammadi, A. H., & Islam, A. (2018). "Political connections, financial reporting and auditing: Survey of the empirical literature", *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 31, 37–51. doi: 10.1016/j.intaccudtax.2018.05.002
- \* Hartzell, J.C., and Starks, L.T. (2003), "Institutional investors and executive compensation", *Journal of Finance*, Issue 58, Vol 6, pp. 2351–2375.
- \* Hillman, A. J., & Hitt, M. A. (1999). Corporate political strategy formulation: A model of approach, participation, and strategy decisions. *The Academy of Management Review*. 24(4). 825-842.
- \* Jang, K. and S.Y. Kown (2002). "Ownership Structure and Earnings Informativeness: Evidence from Korea", *the International Journal of Accounting*, 37:301-325.
- \* Koh, P.-S. (2003). On the association between institutional ownership and aggressive corporate earnings management in Australia. *The British Accounting Review*, 35(2), 105-128
- \* Ikin, C. C. (2005). Do auditor-provided non-audit services (APNAS) fees impair auditor independence? In T. Campbell & K. A. Houghton (Eds.). *Ethics and Auditing* (pp. 289-326).
- \* Michael N. and Sherer, M. (2018), "The effect of political-economic reform on the quality of financial reporting in Egypt", *Journal of Financial Reporting and Accounting*, Vol. 16 No. 1, pp. 245-270. <https://doi.org/10.1108/JFRA-05-2016-0035>
- \* Mohd Fairuz Bin Md Salleh (2009) "Political Influence, Corporate Governance and Financial Reporting Quality (Evidence From Malaysia)" A thesis presented in partial fulfilment of the requirements for degree of Doctor of Philosophy in Accountancy at Massey University, Wellington, New Zealand
- \* Monaligod M., Del Rosario V., (2012), related Party transactions, *American International Journal of contemporary Research*, vol. 2. (5).
- \* Ms. Mahabuba Lima, Md. Imran Hossain (2018) "Ownership Structure and Firm Performance: Testing Monitoring and Expropriation Hypotheses for Bangladeshi Companies", *Journal of Finance and Banking*, Volume 14, Issue 1 & 2, 2018 University of Dhaka, Bangladesh
- \* Muslim Har Sani Mohamad, Hafiz Majdi Abdul Rashid, Fekri Ali Mohammed Shawtari, (2012) "Corporate governance and earnings management in Malaysian government linked companies: The impact of GLCs' transformation policy", *Asian Review of Accounting*, Vol. 20 Issue: 3, pp.241-258, <https://doi.org/10.1108/13217341211263283>
- \* Nor Farizal, M., Zuraidah, S., Bany Ariffin, A. N., Agust, H. (2016). "Political Influence on Financial Reporting Quality of Public Listed Firms in Malaysia Int. Journal of Economics and Management 10 (S2): 303 – 318
- \* Piosik, A., Genge, E. (2020) The Influence of a Company's Ownership Structure on Upward Real Earnings Management. *Sustainability* 2020, 12, 152.
- \* Porter, M 1992, "Capital choices: Changing the way America invests in industry", *Journal of Applied Corporate Finance*, vol.5, no.2, pp4–16.
- \* Pound, J. (1988). Proxy contests and the efficiency of shareholder oversight. *Journal of financial economics*, 20, 237-265.
- \* Qaiser Rafique Yasser, Abdullah Al-Mamun, Margurite Hook, (2017), "The impact of ownership structure on financial reporting quality in the east ", *International Journal of Organizational Analysis*, Vol. 25 Iss 2 pp. - Permanent link to this document: <http://dx.doi.org/10.1108/IJOA-08-2015-0894>
- \* Rajgopal S, Venkatachalam M, Jiambalvo J. (2002). Is institutional ownership associated with earnings management and the extent to which stock prices reflect future earnings? Working paper, Stanford University.
- \* Shinong Wu, Yaping Wang, Liansheng Wu & Xianhui Bo (2017) State ownership and the market pricing of accruals quality, *China Journal of Accounting Studies*, 5:2, 155172, DOI: 10.1080/21697213.2017.1339432.

- \* Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1997). "A survey of corporate governance", *The journal of finance*, 52(2), 737-783.
- \* Shleifer, A., and Vishny, R. (1986), "Large Shareholders and Corporate Control", *Journal of Political Economy*, Vol. 94, pp. 461-488.
- \* Sundaramurthy, C., Rhoades, D. L., & Rechner, P. L. (2005). A meta-analysis of the effects of executive and institutional ownership on firm performance. *Journal of Managerial Issues*, 494-510.
- \* Tagesson, T. (2007). Does legislation or form of association influence the harmonization of accounting? A study of accounting in the Swedish water and sewage sector. *Utilities Policies*, 15(4), 248-260.
- \* Tam, T. M.; Minh, L. Q. ; Khuyen, L. T. ; Thanh, N. Ph.(2019). "Earnings Quality: Does State Ownership Matter? : Evidence from Vietnam, *International Econometric Conference of Vietnam* , January 2019. DOI:10.1007/978-3-030-04200-4\_35
- \* Thomsen, S., and Pedersen, T. (2000), "Ownership Structure and Economic Performance in the Largest European Companies", *Strategic Journal Management*, Issue 21, Vol. 6, pp. 689-705
- \* Uwuigbe, U., Erin, O.A., Uwuigbe, O.R., Igbino, E.E. and Jafaru, J. (2017). Ownership Structure and Financial Disclosure Quality: Evidence from Listed Firms in Nigeria. *Journal of Internet Banking and Commerce*, 22(S8), 1-13.
- \* Wong. S. C. Y. (2004). Improving corporate governance in SOEs: An integrated approach. *Corporate Governance International*. 7(2). 5- 15.
- \* Zimmerman, J. L. (1977). The Municipal Accounting Maze: An Analysis of Political Incentives. *Journal of Accounting Research*, 15, 107-144. <https://doi.org/10.2307/2490636>

## **Role of Government in Financial Reporting Quality: (A Test of Efficient Monitoring Hypothesis)**

**Saeedi M**

Ph.D. Student, Department of Accounting, Science and Research Branch, Islamic Azad university, Tehran, Iran  
mjsaeedi@gmail.com

**Yaghoobnezhad A\***

Corresponding author: Associate Prof., Department of Accounting, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran  
Yaghoobacc@gmail.com

**Nikomaram H**

Professor, Department of Accounting, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran  
nikoomaram@srbiau.ac.ir

### **Abstract**

Capital market participants, decision-makers, financial analysts, and potential and actual investors of the stock market will be able to make more accurate forecasts if they incorporate accurate and precise information in their decisions. and follow that to make optimal decisions. Therefore, as much as the quality of financial reporting can be improved, decision-makers can be helped to make optimal decisions. The main purpose of this empirical research is to determine the effect of government ownership on the quality of financial reporting with emphasis on the Efficient Monitoring Theory. To measure the Financial Reporting Quality, the indicators of quality of disclosure, quality of accruals, earnings management of accruals, real earnings management, and earnings management of real items have been used. The statistical population of this research is companies listed on the Tehran Stock Exchange. The studied data in this research include 1250 years-Firm from 2009 to 2018. The research method is correlational and post-event and the method of hypothesis testing is correlation and regression testing. Specific results of testing research hypotheses show that the ownership of government and the concentration of ownership of government in companies have a significant effect on the Financial Reporting Quality (disclosure quality).

**Keywords:** Ownership of government, Efficient Monitoring theory, Financial Reporting Quality.